

قصه این دو نفر را حافظ زندانیان توده‌ای نموده باشند . . .
دکتر بقائی «آقایان بدانید که اگر تیمسار رزم‌آراء نمی‌خواست این
دو نفر محال بود فرار کنند ، محکومیت آقای خسرو روزه دوست صمیمی
رزم‌آراء که دیگر قطعی بود چطور شد که شب جمعه او را هم برای محکمه
فوق‌العاده بردند این‌ها از مواردی است که تیمسار معظم خواسته‌اند
رشو به سیاست شوروی بدهند . . .

اکنون به سند دیگری از گونی‌سدان توجه بفرمائید .

«۲۰۵/۰ I. B. C - ۹ - اگوست ۱۹۵۰ - محرمانه . آقای
ماریس اسکور . خواهش دارم به گزارش‌های ماهانه بخصوص گزارش ۲ فوریه
توجه بفرمائید در این روزها که قیمت کاغذ در ایران ترقی کرده اشکالات
دوستدار به مراتب زیاده‌تر شده (شوروی‌ها مقدار زیادی کاغذ وارد کرده‌اند و
مرتبا " پخش می‌کنند و جراید جدیدی منتشر می‌کنند) در حالی که ما قادر
به حفظ دوستان قدیمی خود نیستیم گرچه از اشکالاتی که بوسیله تلفن گفته
شد مطلع هستید لذا خواهشمندم متوجه مسئولیت بزرگ و عمده ما باشید .
کاغذ را لطفاً " از سوئد یا آلمان خریداری کنید و به عنوان هایک گالستیان
به طوری که قبلاً " تذکر داده شد ارسال فرمائید فعلاً " پنج تن کاغذ بوسیله
این شخص بین جراید طلوع ، صدای مردم ، صدای وطن ، صبا ، مصلحت
(روزنامه حزب توده) پخش شده نتایج جراید چپ‌رو که به وسیله دوستان ما
منتشر می‌شود به مراتب بهتر است البته نمی‌توانم از راهنمایی‌های شخص
جناب‌عالی در این باره تشکر نکنم . دوستدار ف استاکیل تهران .

آقای . ف . جی . سی . ماریس اسکور . هیئت مدیره لندن .

مطالب شما را در موضوع روزنامه مردم و رزم در ملاقاتی که با (ا - ت)
و یزدی صورت گرفته مورد مذاکره قرار دادم شما البته (ا - ت) را می‌شناسید .
مشارالیه یکی از نویسندگان مبرز حزب توده می‌باشد . (منظور از I. B. C احسان
طهری مترجم روزنامه مردم است) .

یزدی به منزله پدر روحانی این حزب پس از مرگ سلیمان میرزای اسکندری مشهور شده است .

او یکی از رهبران جمع توده‌های می‌باشد که به توصیه ما از طرف رزم‌آراء آزاد شدند . مشارالیه اکنون در محلی به نام شهریار نزدیک تهران مخفی می‌باشد . او با یکی از ماشین‌های سربسته شرکت نفت انگلیس و ایران به تهران آمد بطوری که کسی سوءظن در نبودن او در تهران نبرد و در آینده قرار است که ما به ملاقات او برویم زیرا که احتمال قوی می‌رود که افراد حزب او را به‌بینند افراد حزب او عقیده دارند که نامبرده یا در روسیه یا در فرانسه هست ولی همین که یک مرتبه مشارالیه دیده شود نمی‌توانیم جلوگیری از انتشار خبر را بنمائیم .

(ا . ت) اظهار داشت این مبلغی که برای مطبوعه سری در آبادان داده می‌شود کفایت نمی‌نماید زیرا که تیراژ روزنامه رزم (روزنامه سازمان جوانان حزب توده) در ازدیاد است . مشارالیه گفت تعداد نسخ منتشره بالغ بر چهار هزار نسخه است ولی من باور نمی‌کنم - البته می‌دانید وقتی که (GFTN) را اداره می‌کرد چه حقه‌بازی از آب درآمد من می‌دانم که او فقط منظور داشت که پول‌های (NTCT) را به جیب‌بزند . «مخلص شما . ف استاکیل . . .»

و این را نیز می‌دانیم که رهبران حزب توده که به یاری امپریالیسم انگلیس (بنابه سند مذکور) ساعت ۸/۵ صبح روز جمعه ۱۳۲۹/۹/۲۴ از زندان قصر فرار کردند عبارتند از: دکتر یزدی ، دکتر جودت ، دکتر کیانوری (که درباره ایشان هم حرف داریم) ، اکبر شاندرمنی ، احمد قاسمی ، نوشین ، صمد حکیمی ، سروان خسرو روزه ، علوی و . . .

جبهه آزادی: «در تعقیب بیانیه منتشره حزب ایران ، این مختصر سند را از این لحاظ که ملت ایران از سابقه و طرز همکاری حزب توده با نهضت ملی و مصدق و رزم‌آراء خطرناکترین دشمن ملیون با خبر شوند به

نظر خوانندگان می‌رسانیم تا مدعیان میارزات ضد استعماری کاملاً " شناخته
شوند .

(روزنامه‌های گوناگون)

بطور کلی در این زمان روزنامه‌ها با سه‌طرز تفکر خاص منتشر می‌شدند .
۱ - روزنامه‌های وابسته به احزاب و دستجات ملی که کاملاً " از تز ملی شدن
نفت دفاع می‌کردند . روزنامه‌های باختر امروز ، جبهه‌آزادی ، شاهد ، حمله ،
صریر ، نبرد جوانان ، اصناف از این گروه می‌باشند .

۲ - روزنامه‌های رنگارنگ و فراوان طرفدار غرب که بگونه‌های متفاوت
و غالباً " سطحی از شرکت نفت انگلیس پشتیبانی می‌کردند و تا آنجا که در
خاطر است دست کم همه روزنامه‌هایی را که پس از مردادسیاه ۱۳۳۲ تاکنون
منتشر شده‌اند شامل می‌شود .

این روزنامه‌ها را که در آن زمان تیراژ کمی هم داشتند بگونه‌های
شگفت‌آور منتشر می‌کردند مثلاً " در زمان دولت رزم‌آراء همه آگهی‌های دولتی
را به این روزنامه‌ها و روزنامه‌های حزب توده می‌دادند . آقای مصطفی فاتح
یکی از صاحب‌منصبان شرکت نفت انگلیس در نشست به بنده گفت که شرکت
نفت مستقیماً " به روزنامه‌ها کمک نقدی نمی‌کرد بلکه از هر شماره‌ای که بیرون
می‌دادند تعدادی را یکجا می‌خریدند یا آگهی‌های شرکت نفت را به آن
روزنامه‌ها می‌دادند .

نگارنده به یاد دارد که در آن هنگام شرکت نفت انگلیس از گروهی
روزنامه‌نویس برای بازدید از مناطق نفت‌خیز دعوتی به عمل آورد که شامل
پذیرائی شاهانه‌ای نیز شده بود . در بازگشت آقایان در روزنامه‌های خود
چون صدای وطن ، فرمان ، صبا و . . . به ستایش گسترده‌ای از شرکت نفت
پرداختند که اسناد ارتباط اینان در (گونی‌سدان) پیدا شد .

برخی از این روزنامه‌ها نیز دفاع بی‌شرمانه‌ای از منافع بیگانه می‌کردند

مثلاً " روزنامه‌های کاریکارتوری از یک‌پیرمرد که با دلوی سوراخ و طنابی پوسیده و چرخی شکسته از چاهی آب می‌کشید رسم کرده و زیر آن نوشته بود که ملی شدن نفت یعنی این و اتفاقاً" این یکی از همان روزنامه‌هایی بود که شامل کمک‌هایی می‌شد که در نامه . ف . استاکیل از اسناد مکشوفه خانه‌آستان به دست آمده بود .

۳ - متأسفانه روزنامه‌های حزب توده و وابسته به آن نیز در برابر ملت ایران قرار داشتند و هنگامی که مردم و جبهه ملی و اقلیت دوره شانزدهم شدیداً از تز ملی شدن نفت دفاع می‌کردند روزنامه بسوی آینده ارگان آشکار حزب توده در ۱۵/۳/۱۳۲۹ نوشت "هنوز موضوع نفت مهمترین مسئله روز است ما می‌کوشیم خود را در مسیر جنجال قرار ندهیم ."

و روزنامه مردم شماره ۶ دیماه ۱۳۲۹ نوشت "اصولاً چگونه می‌توان صنعتی را که در دست امپریالیست باشد ملی کرد" .

ولی پس از آن که با مبارزه همه‌جانبه ملت ، قرارداد الحاقی نفت در مجلس رد شد در ۵/۹/۲۹ و ۷/۹/۱۳۲۹ چنین نوشت "مقاله نامه‌گس - گلشایان را مبارزه پی‌گیر و کوشش پیشتازان خلق رد کرد" .^۱

و هنگامی که موضوع ملی شدن نفت در کمیسیون خاص نفت به رهبری دکتر مصدق مطرح شد باز همین روزنامه بسوی آینده در ۹/۹/۱۳۲۹ نوشت

۱ - در سال ۱۳۵۰ مجله توده به نقل از مجله سوسیالیسم شماره ۷ در این باره چنین نوشت "خلق‌های ایران که بارها علیه این قراردادها مبارزه کرده بودند این بار نیز به پا خاستند و در نتیجه قرارداد گس - گلشایان با مخالفت کلیه نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست در ایران روبرو گردید . در چنین شرائطی که مسئله ملی شدن صنعت نفت به خواست و شعار کلیه نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست در ایران تبدیل شده بود رهبری حزب توده ایران شعار (لغو قرارداد نفت جنوب) را مطرح ساخت ."

«اکثریت اعضای کمیسیون نفت که پای یک ورقه خیانت امضای خود را گذارده‌اند و اقلیت که بازار مانورهای مزورانه معرکه را گرم‌تر می‌آرایند هر دو باید بدانند که در مقابل صاحبان حقیقی نفت محکوم‌اند.»

و در ۱۳۲۹/۱۱/۲۲ نوشت «جمعیت ملی مبارزه یا شرکت نفت جنوب هدف خود را اعلام رسمی بطلان امتیاز نفت جنوب می‌داند» و در ۱۳۲۹/۱۱/۴ نوشت «ما از کمیسیون نفت می‌خواهیم که پیشنهاد ملی شدن نفت را (با حذف قسمتهائی) تصویب کنند و در همان حال بطلان امتیازهای تحمیلی شرکت نفت جنوب را رسماً اعلام دارد.»

ما از این‌روی به اینگونه نوشته‌ها می‌پردازیم تا توجه شود که چگونه «اولاً» سعی می‌شد مردم را از مسیر ملی کردن نفت منحرف کنند و این تلاش‌ها به چه صورت هم از سوی روزنامه‌های وابسته به شرکت نفت انگلیس و هم از سوی حزب توده به کار می‌رفت.

ثانیاً «هنگامی که ملی شدن نفت امری حتمی و قطعی شمرده می‌شد حزب توده طرح اعلام رسمی بطلان امتیاز نفت جنوب را پیشنهاد می‌کرد و بطور قطع و یقین اعلام رسمی بطلان امتیاز نفت بطور یک جانبه (که در زمان رضاشاه نیز اجراء شد) شیوهٔ درستی نبود.

همین اعلام رسمی بطلان قرارداد نفت مطلبی را ثابت می‌کرد و آن اینکه امتیازی رسمی و قانونی وجود دارد و در این صورت امتیاز و قرارداد دوجانبه را یک طرفه نمی‌توان لغو کرد و بدینوسیله شرکت نفت انگلیس در تمام دادگاه‌ها پیروز می‌شد حال آنکه ملی کردن امری است که بستگی کامل به حاکمیت جامعه دارد و بعدها صحت نظریه جبهه ملی در این باره حتی از طرف حزب توده نیز تأیید شد.

اکنون بد نیست که اشاره‌ای هم به نظر شاه ایران در این زمان شود.

۱ - «ایران دیگر به کشورهای خارجی و یا مؤسسات بیگانه امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت و سایر مواد خام را اعطاء نخواهد کرد،

امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران مشمول تصمیم ایران نخواهد شد چه هنوز
چهل و سه الی چهل و پنج سال دیگر از مدت آن باقی مانده است . . .

۱۳۲۹/۱/۲۹

۲ - "تغییر حکومت جدید (حکومت رزم آراء)" تکاملی خواهد بود که
تدریجا "در دستگاه اداری اشخاص ناصالح را با مردم میهن پرست و شریف
تعویض خواهد کرد" ۱۳۲۹/۴/۲۹

۳ - "در مصاحبه با مخبر آسوشیتد پرس . . . انتصاب علی رزم آراء به
نخست وزیر در ماه گذشته به دوره سوء اداره کشور در نه سال گذشته پایان
بخشید. این انتصاب باید زودتر انجام شده باشد ولی علت تأخیر این بود
که وی منتظر بود حیثیت مقام سلطنت پس از اشغال ایران به وسیله نیروهای
متفقین آماده شود. تغییرات دستگاه دولت یک نوع تحول آرام است که
هیچگونه جنب انقلابی نداشته و موجب خواهد گردید که عناصر درستکار و
میهن پرست رفته رفته جانشین اشخاص نالایق و بی کفایت گردند . . ."

۱۳۲۹/۵/۱۵

۴ - "مخصوصا" توصیه می کنم که نسبت به دولت و سایر خدمتگزاران
کشور که در چنین موقعی مشکل قبول مسئولیت نموده و با صمیمیت و صداقت
رفع مشکلات ملی را وجهه همت خود قرار داده اند صمیمانه همکاری و معاضدت
نمایند . . . ۱۳۲۹/۵/۱۵

۵ - "باید لااقل اکثریتی قوی در مجلس ایجاد شود که متشکل باشد
تا در مسائل مملکتی متفقا" اظهار نظر نمایند. می گویند در مجلس اکثریت
وجود دارد کما اینکه ۹۷ نفر به دولت رأی داده اند ولی مشاهده می شود که
اکثریت در جریانات مجلس رویه ای ثابت ندارند ابناء بر این اولین تقاضای

۱ - دکتر هدایتی یکی از عوامل بیگانه در مجلس شورای ملی نخست
به شدت از رزم آراء پشتیبانی کرد اما در جلسه علنی ۱۳۲۹/۷/۲۵ گفت
بقیه پاورقی در صفحه بعد

من از آقایان نمایندگان این است که تمام دستجات در این موقع خطیر با هم اتفاق کنند تا اکثریت ثابت به وجود آید»^۲ ۱۳۲۹/۱۰/۲۱
بطوری که ملاحظه می شود شاه در امور سیاسی پشتیبان جدی حکومت رزم آراء و به خصوص ابقاء شرکت سهامی نفت انگلیس بود. رزم آراء نیز که نظرش آشکار بود. انگلستان و امریکا و حتی روسیه شوروی هم که سیاستشان معلوم شد حزب توده و جناح راست یعنی هیئت حاکمه را نیز در مجلس دیدیم که همگی نظریات مشابه داشتند.

شرکت نفت هم برای اینکه حکومت رزم آراء را در برابر ملت و جبهه ملی کاملاً بسیج و یرتوان کرده باشد طبق توافق محرمانه ای مبلغ شش میلیون لیره استرلینگ در اختیار رزم آراء گذارده بود تا بتواند با انتشار روزنامه و پرکردن شکم این و آن زمینه را برای تصویب قرارداد نفت آماده سازد.
در این باره روزنامه دیلی میل نوشت: «بنابه گزارش رسیده از تهران بین دولت ایران و شرکت نفت جنوب توافقی حاصل شده است و با اینکه از جزئیات این توافق اطلاعی در دست نیست اما گفته شده که شرکت نفت انگلیس مبلغ شش میلیون لیره استرلینگ از بابت حق الامتیاز بدون سود به

بقیه پاورقی از صفحه قبل

«رزم آراء» می خواهد با اعلام حکومت نظامی و به زندان انداختن آزادیخواهان و توقیف جراید و بستن مجلس و . . . احساسات جاه طلبانه خود را تسکین دهد.

آقای نخست وزیر همه می دانند که هنر عمده شما دروغ گفتن است . . . شما به مردم و به مجلس دروغ گفتید. بس است ماسک خود را بردارید. مردم شمارا شناخته اند و می دانند که در پشت این قیافه مودب چه خیالات و وحشتناک و چه نقشه های شومی خفته است . . .

۲ - منظور دفاع از رزم آراء در مقابل اقلیت بهره بری دکتر مصدق است.

ذولت ایران وام داده است.

پس دیگر در پهنه سیاست ایران نیروئی که بتواند ملت ایران را در مبارزه اش یاری دهد وجود نداشت. تنها تضاد شدید شرکت‌های نفتی امریکائی و انگلیسی بود و مبارزه سرسختانه خلق با اراده و پایدار ایران، ملت حماسه‌آفرین ما با دست خالی و شکم گرسنه توانست که با استفاده از این تضاد، جهان آن روز را به شگفتی و ستایش وادارد.

کمی پیش از این تاریخ کمیسیون خاصی در مجلس شورای ملی تشکیل شد و در آن تنی چند از مبارزان ملی و آرمانخواه راه یافتند. این کمیسیون به ریاست دکتر مصدق به پژوهش در کار نفت و بررسی همه قراردادها و نظریات و اقدامات در این باره پرداخت.

روزنامه اطلاعات در ۱۳۲۹/۷/۵ در این مورد نوشت که «تعقیب موضوع نفت و استیفای حقوق ایران همانطور که انتظار عموم بود از رکود و جمود خارج شده و کمیسیون نفت مجلس شورای ملی در چند روز اخیر قیافه جدی‌تر به خود گرفته و پس از جلساتی که منعقد ساخته از دولت تقاضا کرده است پرونده نفت را به ضمیمه اظهار نظر به کمیسیون بفرستد»

ما در مقاله روز گذشته نوشتیم که لزوم تجدیدنظر در قرارداد فعلی نفت و جبران حقوق تضییع شده ایران و افزایش حق‌السهم دولت چیزی نیست که مور دتردید باشد»

رزم‌آراء در دفاع از قرارداد الحاقی تردیدی نداشت اما تلاش می‌کرد که دست کم مطلبی بر خلاف افکار عمومی نگوید. هنگامی که زمزمه ملی‌شدن نفت بلند شد آشکارا به دفاع از قرارداد پرداخت و ما در اینجا برای روشن شدن خوانندگان اشاره کوتاهی به گفتگوهای نمایندگان در جلسات گوناگون داریم.

آقای کاظمی در جلسه ۱۳۲۹/۷/۲۶ سنا گفت: «ملت ایران از آن‌وزیری که به جای دفاع از منافع ایران و انجام وظایف ملی و وطنی خود بشیرمانه

دفاع از منافع شرکت نفت در مجلس شورای ملی نموده بیزار است. ملت ایران به حکومت‌های زبون و ترسو و بی‌شهامتی که پس از ماه‌ها زمامداری حاضر نشدند و حاضر نیستند اینقدر شجاعت اخلاقی داشته باشند که عقیده خود را نفیاً "یا اثباتاً" بگویند سرسوزنی اعتماد ندارد.

وزم آراء پاسخ داد: «فعلاً» موضوع نفت در کمیسیون مطرح است و قبل از اینکه مطالعات کمیسیون تمام شود مذاکرات زیادی به نظر نمی‌رسد لازم باشد.

کاظمی - نظر دولت چیست؟ آیا موافق است یا مخالف؟

وزم آراء - اگر دولت مخالف بود لایحه را پس می‌گرفت و نماینده به کمیسیون نمی‌فرستاد رزم آراء در جلسه دیگری (۱۳۲۹/۸/۱۸) گفته بود: «به آقایان نمایندگان صریحاً» می‌گویم تا وقتی دولت لایحه جدیدی در دست نداشته باشد نمی‌تواند لایحه فعلی را پس بگیرد چون ناچاریم که قرارداد سابق را قبول کنیم.

روز دیگر بر مبنای این اظهارات دکتر مصدق در مجلس چنین گفت: «خوب به خاطر دارم که در دوره پنجم و ششم تقنینیه هر وقت که دولت لایحه‌ای پیشنهاد می‌کرد و نمایندگان نمی‌خواستند به آن رأی بدهند موقع طرح آن سرتیب محمدخان درگاهی رئیس شهربانی به مجلس آمده و حضور او سبب می‌شد که نمایندگان (از ترس رضاشاه) بدون شور و بحث زیاد لایحه را تصویب کنند. . . . با این حال وزراء و وکلاء نمی‌توانند به عنوان نبودن آزادی خود را تبرئه کنند چون که آن‌ها مجبور نبودند کار قبول کنند تا این که نسبت به مملکت خیانت کنند.»

از مذاکرات دیروز آقای رزم آراء در مجلس سنا اینطور برمی‌آید که او را برای رهبری قرارداد ساعد - گس آورده‌اند. امیدوارم که نمایندگان حساس و وطن‌پرست به سینه این نامحرم دست رد بزنند و با دادن یک ورقه کبود ثابت کنند که ایرانی به تسلیم وطن خود تن در نمی‌دهد. در هر کجا

افسران برای دفاع از حقوق مملکت جنگ می‌کنند و کشته می‌شوند ولی در این مملکت سپهبد رزم آراء می‌خواهد دست و کلاه را به‌بندد و تسلیم شرکت نفت کند. ای مرگ بر آن کسانی که به‌جای خدمت، خیانت به وطن را پیشه خود قرار دهند.

دکتر مصدق (۱۳۲۹/۸/۱۸): «وقتی انتخابات کمیسیون نفت به عمل آمد پنج نفر از اعضاء جبهه ملی به عضویت در کمیسیون نفت برگزیده شدند. و چون آنطور که مقصود کمپانی بود نمایندگان جبهه ملی نخواستند کار کنند در نتیجه دیگر نمایندگان هم با نمایندگان جبهه ملی در رد قرارداد الحاقی همصدا شدند لذا شرکت نفت انگلیس نگران است که اگر مجلس شانزدهم و این کمیسیون به همین‌طور باقی بمانند قهرا "نمایندگان جبهه ملی در ملی‌کردن صنایع نفت موفق می‌شوند این است که در این دو سه روزه زرمه انحلال مجلس شنیده می‌شود».

رزم آراء (۱۳۲۹/۱۰/۵): «آقایان شما که یک کارخانه سیمان را هنوز نمی‌توانید با پرسنل خود اداره‌نمائید شما که کارخانجات کشور را در نتیجه عدم قدرت فنی به صورت فعلی انداخته‌اید که ضرر می‌دهد با کدام پرسنل و با کدام وسائل می‌خواهید نفت را شخصا "استخراج و ملی‌نمائید"؟»
جمال امامی - «من مخالف ملی‌شدن صنعت نفت هستم و دلایلم را خواهم گفت».

حسین مکی - «آقای نخست‌وزیر گفتند ما لیاقت اداره کارخانه سیمان را نداریم در حالی که اکثریت باید می‌گفت این بی‌لیاقتی دولت است نه اکثریت مجلس. نخست‌وزیر ما هر چه را که شرکت نفت انگلیس به او دیکته می‌کند می‌آید و در جلسه خصوصی می‌گوید».

رزم آراء در همین جلسه برای اینکه بر بنیاد بساوره‌های فردی خویش راهنمای نمایندگان شود افزود که «امروز در دنیا دابلوک‌کمونیسم و دمکراسی تشکیل شده است که سیاست جهان را اداره می‌کنند و هر یک راه و رویه

مخصوصی دارند،^۱ و با اینگونه گفتار چنین می‌رساند که باید در حل مشکل نفت با بلوک دمکراسی کنار آمد.

در این باره آقای باقر کاظمی نیز در مجلس سنا (۱۳۲۹/۱۰/۹) چنین گفت: «بطوری که آقایان استحضار دارند وزیر دارایی شرح مفصلی در خصوص نفت و ورق‌پاره (گس - گلشائیان) با وضع خاصی که دور از رویه و سنن پارلمانی بود بیان داشتند که به عقیده بنده سفسطه و توهین به نمایندگانی بود که درباره نفت نظریات و عقاید وطن پرستانه و خیرخواهانه خود را بیان کرده بودند.

آقای رزم‌آراء هم در چند مورد اظهاراتی کردند که کاملاً "باعث یأس وطن پرستان و جوانان پرشور و شوق شده است مثلاً" اظهار داشته‌اند که ما حتی لوله‌نگ نمی‌توانیم بسازیم و کارخانه سیمان را نمی‌توانیم اداره کنیم. اگر حکومت نمی‌تواند کارخانه سیمان را اداره کند دلیل ضعف و سستی و بی‌لیاقتی دولت است والا خیلی از بازرگانان ایرانی به خوبی و آسانی می‌توانند کارخانه‌های بزرگی را که امروزه در اصفهان و رشت و غالب نقاط ایران وجود دارد اداره کنند.

در ۱۳۲۹/۹/۳۰ نمایندگان جبهه ملی (دکتر مصدق، الهیار صالح، حسین مکی، محمود نریمان، دکتر بقائی، حائریزاده، دکتر شایگان، عبدالقدیرآزاد) در مجلس متحصن شدند و تظاهرات ملی اوج گرفت.

پس از تحصن نویسندگان و نمایندگان جبهه ملی در مجلس تظاهرات مردم شروع شد. دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از جبهه ملی صبح روز ۱۳۲۹/۱۰/۲ در برابر مجلس گرد آمدند و درباره ملی شدن نفت می‌تینگی تشکیل دادند و با شعارهای خود که همراه داشتند تظاهراتی برپا

۱ - در این تاریخ حزب توده اعتقاد عمیق داشت که دنیا دو بلوک

کهونیسیم و امپریالیسم بیشتر نیست

کردند .

در همین روز نیز بنا بر اعلامیه آیت‌الکاشانی طبقات عظیمی از مردم تهران به مسجد شاه رفتند روزنامه اطلاعات در این باره نوشت : «طبقات مختلف مردم با نظم و ترتیبی که تاکنون کمتر سابقه داشته به مسجد شاه رفته و ساعت به ساعت برکثرت جمعیت افزوده می‌شد در میان جمعیت شعارهایی مبنی بر ملی شدن صنعت نفت و لغو قرارداد ۱۹۳۳ مشاهده می‌گردید . . .

روز ۱۳۲۹/۱۰/۸ نیز تظاهرات بزرگی برپا شد . بنا به دعوت آیت‌الکاشانی ، اعضای حزب ایران ، جمعیت مسلمانان مجاهد و حزب استقلال و سازمان نظارت آزادی ، جمعیت مبارز اصناف ، دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر مردم در میدان بهارستان و خیابان‌های اطراف گرد آمدند جمعیت به اندازه‌ای بود که تا شاه‌آباد ادامه داشت .

در این می‌تینگ دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز و مهندس حسینی از سوی حزب ایران سخن گفتند . آقای مهندس حسینی به گفته‌های نخست‌وزیر و وزیردارائی مبنی بر عدم امکان ملی شدن نفت در ایران و نتیجه‌ای که دولت مکزیک از این کار گرفت پاسخ داد و با ذکر اعداد و ارقام مردم را آگاه ساخت که کشور مکزیک پس از سال ۱۹۳۸ که نفت را ملی کرده استخراج نفتش دو برابر شده است . آنگاه آقای مهندس زیرک‌زاده رئیس کمیته مرکزی حزب ایران قطعنامه می‌تینگ را قرائت کرد .

روز ۱۳۲۹/۱۰/۱۶ از طرف گروهی از جوانان و دانش‌آموزان دختر و پسر تهران در برابر مجلس شورای ملی تظاهرات منظمی برپا شد . این تظاهرات که در آن از تمام دبیرستان‌ها و دانشسرای عالی شرکت داشتند برای پشتیبانی از ملی شدن نفت بود .

روز ۱۳۲۹/۱۱/۸ نیز «گروهی از حجج اسلام درباره نفت فتواهایی صادر کردند و مبارزه در راه ملی شدن صنعت نفت را تأیید و توصیه کردند . .

و در ۱۳۲۹/۱۲/۱۱ از طرف فدائیان اسلام بنابه دعوت آیت‌اله کاشانی تظاهراتی در مسجد شاه برپا شد. در این تظاهرات فدائیان اسلام هدف خود را استیفای حقوق ایران از شرکت نفت انگلیس اعلام داشتند.

روز ۱۳۲۹/۱۲/۱۲ نیز «جمعیت طرفداران صلح وابسته به حزب توده تظاهراتی برپا کردند در این تظاهرات از ملی شدن صنعت نفت مطالبی گفته نشد و مطالب پیرامون حفظ صلح و حمله به امپریالیسم و آتش‌افروزان جنگ مانند امریکا بود».

رزم‌آراء که می‌دید اعتراض به قرارداد الحاقی روبه فزونی است و هر روز امید به تصویب آن کمتر می‌شود و از طرف دیگر اقلیت و حزب ایران با برشمردن زیان‌های بیشمار قرارداد الحاقی، افکار عمومی را به شیوه‌ای آگاه می‌سازند که دیگر امکان تصویب هیچ قراردادی نباشد با اشاره شرکت نفت آن را پس گرفت تا در موقع مناسب قرارداد دیگری تنظیم کند.

در جلسه ۱۳۲۹/۱۰/۱۰ مجلس شورای ملی، دکتر معظمی در این باره گفت: «چون کمیسیون خواسته است که حد استیفای حقوق ایران را مجلس تشخیص دهد بنابراین دولت نه قانونا و نه وجدانا "حقی نداشته که لایحه را مسترد دارد. آقای وزیرداری یک لطمه‌بزرگی به حقوق ملت ایران وارد آورده است... من خودم وقتی فکر می‌کنم که این وزیرداری می‌خواهد برود و مذاکره کند مثل این که یک غنجرى به قلب من فرو می‌رود زیرا کسی که می‌رود و مذاکره می‌کند خودش باید مورد اعتماد باشد».

آقای اسلامی نیز گفت: «من از پشت این تریبون در برابر احزاب، دانشجویان، روزنامه‌ها و بازاری‌ها به‌ویژه اکثر نمایندگان شجاع مجلس شانزدهم که برای استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت قد علم کرده‌اند سر تعظیم فرود می‌آورم زیرا به یقین می‌توان گفت که در هیچ یک از ادوار، ملت ایران به این حرارت برای استیفای حقوق خود قیام ننموده است و به همین جهت بود که بالاخره وزیرداری مرتکب بزرگترین خبط و خطای

سیاسی شده است . . .

مکی - نطقی که وزیر دارائی کرد اثرش مثل حمله قوای بیگانه به این مملکت بود .

اسلامی - «من چند روز قبل از رادیو صدائی می شنیدم که خیال می کردم صدای رادیوی خارجی است . در این نطق به تمام نمایندگان به تمام روزنامهها و به تمام مردمی که می گویند سهم ما از نفت کم است می گفتند ماجراجو . . .»
آزاد - غلط کردند .

دکتر شایگان اکنون برمی گردیم به این نسخه ای که به دست آقای فروهر (وزیردارائی) داده شده است و من معتقدم که این را باید لایحه دفاعی شرکت نفت نام گذارد . بنده از روی خواندن این لایحه این لقب (ترسا پسر) را به ایشان داده ام . اما این لایحه دفاعی که خیانت به ملت ایران است سراسر مغلطه و سفسطه است و بخشی از آن هم دروغ محض است . دم دروغ بگوید و معصیت الهی را مرتکب شود برای خیانت .

واقعا "پیدا کردن این نوع افراد خیلی زحمت دارد . شرکت نفت خیلی حمت کشیده که چنین شخص کامل العیاری را پیدا کرده است اینجا "رازا" راجع به این ترسا پسر صحبت شده است . اقلیت و اکثریت می گویند و را بیندازید بیرون ولی ایشان مثل شاخ شمشاد در آنجا ایستاده اند تا به دستور شرکت نفت آنچه را که بخواهند انتشار دهند و آنچه را که مربوط به مردم ایران است نگویند . . .

جمال امامی (۱۳۲۹/۱۰/۲۴) «آقایان اطلاع دارند که من نسبت به مقام سلطنت متعصبم و خیلی هم متعصبم زیرا تشکیل امپراتوری ایران به دست شاهنشاهان ایران بود (آزاد - پس ملتی وجود نداشته است؟)»
قای رزم آراء به میل خودش می رود و ساخت و پاخت می کند ایشان ر عرض شش ماه جز حرف چیزی تحویل ما نداده است و ماشاءالله به جای

همه چیز شش زرع زبان دارد» .

حائریزاده (۱۳۲۹/۱۱/۳) «امنیت به واسطه نفت از ما سلب شده است مردم در اراک علیه مظالم کمپانی نفت می‌تینگ داده‌اند ولسی آن‌ها را گرفته و تهدید کرده‌اند ، اگر یک‌روز حکومت به دست ما بیفتد پرونده‌هایی را در دسترس دنیا خواهیم گذاشت تا بدانند که این نفت چه فجایعی را مرتکب می‌شود . در رشت دانشجویان علیه کمپانی نفت حرکت کرده‌اند و پلیس جلوگیری کرده است .

در هندوستان که تحت سلطه انگلستان بود مزاحم مردم نمی‌شوند ولی اینجا می‌شوند در خرمشهر می‌تینگی می‌داده‌اند و در این می‌تینگ شاگردهای مدرسه آرمی تهیه کرده بودند که روی آن نوشته بود صنعت نفت باید ملی شود . از طرف شهربانی اولیاء اطفال را می‌خواهند و می‌گویند نباید این آرم‌ها نوشته شود زیرا اینجا منطقه نفت است و تلگرافی از مرکز مخابره شده است که از می‌تینگ جلوگیری کنند .

شنیده‌ام که عده‌ای رفته‌اند به شیراز ولی در اصفهان جلوی آن‌ها را گرفته‌اند و گفته‌اند که مبادا یک کلمه راجع به نفت صحبت کنند . از طرف دولت دستور داده شده که تلگرافات مصنوعی علیه ملی شدن صنعت نفت به تهران مخابره شود و برای این کار چاقوکشانی را تجهیز کرده‌اند» .

تلگراف از شهرستان رشت : آقای الهیار صالح : «بعد از ظهر پنجشنبه ۱۳۲۹/۱۰/۲۸ شهربانی رشت در می‌تینگ دانش‌آموزان که برای ملی کردن صنعت نفت برپا شده بود اختلال کرد ، دانش‌آموزان رشید در برابر حمله نا جوانمردانه پلیس ایستادگی کرده پاسان‌ها عده‌ای از دانش‌آموزان را به سختی مجروح و پرچم و شعارهای آن‌ها را پاره کرده‌اند اما با تمام کارشکنی‌های شهربانی می‌تینگ با حضور چندین هزار نفر در میدان شهرداری برگزار گردید . این کار شرم‌آور شهربانی رشت مورد تنفر و انزجار شدید مردم است نقاضا داریم جریان را در مجلس مطرح فرمائید تا دنیا بداند در عصر حاضر

ملت ما شاهد چه جنایت‌هایی است. جاوید باد ایران - دبیر حزب ایران
گیلان ..

با همه این‌ها در جلسه ۱۳۲۹/۱۱/۸ مجلس شورای ملی با اکثریت
۹۱ نفر به دولت رزم‌آراء رأی اعتماد داده شد و آنگاه جمال امامی خطاب
به نمایندگان گفت: «این رأیی که دادید به ضرر مملکت و به ضرر شاه و
به ضرر مجلس بود زیرا دقت کافی نشده است و شما یک ماه دیگر می‌فهمید
که من چه می‌گویم ..»^۱

حاذقی: «راجع به اینکه گفتند در رأی دادن دقت و تأمل نشده
است عرض می‌کنم درست نیست زیرا ۹۱ نفر نمایندگان مردم پس از مشورت
و تبادل نظر و پیروی از متویات اعلیحضرت همایونی به دولت رأی اعتماد
دادند ..»

(اقدامات اقتصادی حکومت شاه)

پس از آنکه شاه امتیاز شرکت نفت انگلیس را مشمول عدم اعطاء امتیاز
به خارجی‌ها نکرد آقای ابتهاج که به گفته مخیر آسوشیتدیرس یکی از
کارشناسان اقتصادی در ایران بود در مصاحبه‌ای گفت: «اگر ما بتوانیم
اختلافات خود را برای استفاده بیشتری از منافع نفت با شرکت نفت انگلیس
تصفیه نمائیم اساساً "به‌وام امریکا نیاز نخواهیم داشت ..»

این گفته در آن زمان از دو جهت قابل بررسی بود یکی درک سیاست
مریکا و تضادی را که به خصوص در ایران با انگلیس در برداشت و دیگر
ناکتیک چهره‌های آشنا به رموز سیاست انگلیس یا تحت اختیار آن سیاست .
ابتهاج بعدها در رأس سازمان برنامه کمک‌های حساب شده دولت
مریکا و پول‌های بی حساب نفت را در چاه و بیل فرو ریخت اما باید دید که

۱ - اتفاقاً " در حدود یک ماه بعد هم رزم‌آراء ترور شد .

چرا در این زمان احساس بی‌نیازی به وام آمریکا در صورت تصویب قرارداد نفت می‌کرد؟

در آذرماه سال ۱۳۲۹ شروود رئیس بخش خاورمیانه بانک صادرات و واردات آمریکا در مصاحبه‌ای گفت که به اسرائیل ۱۵۰ میلیون دلار و به ایران ۲۵ میلیون دلار قرضه می‌دهد. به نوشته روزنامه‌ها بانک صادرات و واردات آمریکا به ایران که مساحتش بیست برابر اسرائیل و جمعیتش ۱۰ برابر آن بود یک ششم آن کشور قرضه می‌داد.

برای پاسخ به این نکته بهتر است که به گفته آقای تورنبرک رئیس مشاوران ماوراء بحار در تهران به مخبر یونایتد پرس پرداخت: «تا موقعی که تحریکات سیاسی و پارتی بازی در ایران در کار باشد هیچ کدام از پروژه‌های عمرانی عمل نخواهد شد. سازمان برنامه در حال حاضر ۱۶۰ عضو دارد در حالی که با ۱۵۰ نفر می‌توان این سازمان را اداره کرد. من در عرض پنج سال با تغییر هفت نخست‌وزیر و هشت مدیرعامل مواجه شده‌ام. من معتقدم که شرکت نفت انگلیس حقوق حقه دولت ایران را از بابت حق الامتیاز نپرداخته است و شرکت نفت انگلیس را مسئول بیشتر بدبختی‌های اقتصادی ایران می‌دانم. . . . در این کشور انتریک سیاسی یک امر عادی است.»

این خبرگزاری در گزارشی که از تهران به تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۵۱ فرستاد چنین گفت: «عقیده سیاسی امریکائی‌ها در اینجا شدیداً علیه رفتار شرکت نفت می‌باشد و اغلب می‌گویند که انگلیس‌ها در انجام وظیفه خود در مبارزه با کمونیسم در این منطقه خطرناک دنیا کوتاهی می‌کنند یک مستشار اقتصادی امریکائی اخیراً گفته است که شرکت نفت انگلیس در رویدادهای نفت ایران بر حق نیست زیرا شرکت نفت حقوق حقه ایران را نپرداخته است و همین امر موجب عدم ثبات وضع اقتصادی ایران شده است.»

وقتی که امریکائی‌ها بدینگونه پاسخ ابتهاج رئیس بانک ملی و مدیرعامل

آینده سازمان برنامه را می‌دادند و این رجل انگلیسی‌مآب را یارای آن نبود که دیگر اظهار نظری کند سیاست انگلیس یا پیش‌گازدارد و پاسخ قاطع و دندان‌شکنی از زبان مهدی پیراسته نماینده مجلس که از دوستان و نزدیکان بسیا رمشهور و مطمئن سیاسی انگلیس بود، داد.

مهدی پیراسته در جلسه ۱۳۲۹/۱۱/۲۲ مجلس گفت: «آقایان می‌دانند که مدت‌ها است دولت امریکا سر و صدا و بوق و کرنا در دنیا راه انداخته است که می‌خواهد به ایران کمک کند. کمک امریکا در این مدت به ما این بوده است که عده‌ای از افراد بیکار کشور خود را به کشور ما به عنوان مستشار تحمیل کرده است و اثر این مستشاران این بوده که بالغ بر دو بیست و پنجاه میلیون تومان سرمایه‌کشور در سازمان برنامه حیف و میل شده است و هر یک با حقوق‌های گزاف و زندگی‌های لوکس و آخرین مدل تهمانده ارز مملکت ما را هم برده‌اند.

چند کتاب بی‌ارزش مثل غالب نوشته‌های سطحی امریکایی‌ها برای ما به زبان انگلیسی نوشته‌اند که کوچکترین اثری بر آن‌ها برای ملت گرسنه ایران مترتب نیست و نتیجه مطالعه آن‌ها این بوده است که به دولت ایران توصیه استخدام چند نفر کارشناس از ممالک مختلف کرده‌اند. این کمک دولت امریکا به ما بوده است. ببخشید فراموش کردم یک کمک دیگر هم به ما کرده‌اند و آن این است که هر چند یک‌بار از قول یکی از خبرنگاران خود مقداری فحش و ناسزا و افتراء و تهمت به ملت ایران از صدر تا ذیل حواله می‌دهند.....»

می‌بینید که چه اختلاف ژرفی بین سیاست انگلیس و امریکا بود؟ این اختلاف تنها محدود به ایران نمی‌شد بلکه هر کجا که نفت یا منابع گوناگون دیگری بود و گفتگوها درباره سیاست اقتصادی دوطرف برای غارت و چپاول هستی ملت‌ها به جایی نمی‌رسید تضاد سیاسی آشکار می‌شد. در این حال انگلیس‌ها که ادعای شناختن ملت‌های گوناگون را داشتند و می‌پنداشتند که

به روحیه توده‌های جهان سوم آشنا تراند دیر از خواب غفلت بیدار شدند چون نسیم آزادی را که پس از جنگ جهانی دوم وزیده بود استشمام نکردند. زمانی حاضر شدند اندکی از حرص و آرز خود بکاهند که دیگر بانگ اعتراض و مخالفت با سیاست شرکت نفت انگلیس تمام ایران را فرا گرفته بود و آن هم هنگامی بود که به دستور شرکت نفت انگلیس دولت رزم آراء قرارداد الحاقی را از مجلس پس گرفت.

بریتانیا دیر به این نکته آگاه شد که رزم آراء با آن بیال و کوبالش نمی‌تواند در برابر ملت گرسنه و دست از جان شسته ایران ایستادگی کند. ناچار با یک دگرگونی کلی تا اصل پنجاه پنجاه پیش آمد ولی تار و بود پیچیده سیاست استعماری شرکت نفت در ایران بگونه‌ای بود که به تندی نمی‌توانست با این تاکتیک ضعیف امپریالیسم انگلیس در برابر حرکت توده ایرانی موضع‌گیری کند.

ما برای آگاهی بیشتر، تنها به خلاصه‌ای از نوشته‌های مجله تایم می‌پردازیم. این مجله درباره طرح موافقت‌نامه (گس - گلشائیان) در مجلس شورای ملی اشاره کرده بود که سرانجام دولت مجبور شد پیش از رأی‌گیری لایحه را پس بگیرد.

در همان مقاله آمده بود که مقامات دولتی آمریکا با سیاستمداران بریتانیا تماس گرفته و یادآور شده‌اند که ادامه غوغای نفت در ایران ممکن است ذخائر حیاتی نفت اروپا را در ایران در دسترس شرووی‌ها قرار دهد و افزوده بود که در سپتامبر گذشته (۱۹۵۰) که «مستر ژرژ مک‌کی» متصدی امور خاورمیانه وزارت امور خارجه آمریکا به لندن رفته بود در این باب با سیاستمداران دولت بریتانیا مذاکره کرد اما بزرگان انگلیسی با کمال ادب به وی گفته بودند که ما در رفتار با ایرانی‌ها تجارب زیادتری داریم.^۱

باید دانست که انگلیس ها یک اصل کلی سیاسی را همیشه در نظر داشتند. وقتی در جایی سیاستشان پشتیبان و حامی دولتی بود بطور قطع و یقین می توان گفت که در همان جا و در همان هنگام در بین دیگران و حتی مخالفان دولت نیز مهره ها و زمینه های مناسبی داشتند. سیاست انگلیس به سبب دوام و سابقه دراز و نیز خصائص نژادی خاص خود به آرامی از راه های گوناگون در بین ملت ها رسوخ می کرد و در اینجا بود که ظرافت سیاست انگلیس آشکارتر می شد.

امریکائی ها این دوران دیشی و آمادگی ذهنی دیپلماسی را ندارند و از اینروست که در سیاست امپریالیستی غالب اوقات خشن تر (در گذشته) پا جای پای انگلیس ها می گذاردند و یا اگر چنین نمی کردند در زمان اندکی چهره زشت و دژم بار سیاست امپریالیستی شان آشکار می شد و این نکته چنین می رساند که مبارزه با چنین سیاست خطرناک و لغزنده ای تا چه اندازه مشکل و دقیق بود.

باری دولت رزم آراء با کمک های گوناگون شرکت نفت انگلیس و محیط مساعد سیاست خارجی کاری از پیش نبرد و رندان همه پول های داده شده را خوردند و رزم آراء را ناچار ساختند که با موافقت شاه ایران اقدام به نشر اسکناس کند و چون نظر دکتر مصدق در این باره جالب تر و کامل تر بود در اینجا به خلاصه ای از بیانات ایشان می پردازیم.

دکتر مصدق (۱۳/۱۲/۱۳۲۹) «چقدر ننگ است برای یک ملتی آن هم ملت باستانی ایران که بعضی از نمایندگانش راضی شوند یک شرکت بیگانه از معادن نفت به طریقی که دیدیم بهره برداری کند و به ملی شدن صنعت نفت که نتیجه آن این خواهد بود که ملت ایران به حساب خود از این ثروت عظیم خدادادی بهره وافی ببرد تن درنبداده و مملکت را در این آتش فقر و بدبختی به نفع اجانب بسوزانند.

چون هنوز تکلیف کمپانی معلوم نشده شرکت با وساطتی که در دست

دارد به وسیله این لایحه (لایحه نشر اسکناس) می‌خواهد از ملت بیچاره
ما سوءاستفاده کند

همه می‌دانند که در جنگ جهانی اول هنگامی که متفقین یعنی دولت
روسیه تزاری و دولت انگلیس از بانک ناسر اسکناس در ایران پول خواستند
بانک تمکین نکرد و گفت در صورت نیاز به پول بایستی اجازه دهید به حساب
شما نقره وارد کنم و در ضرابخانه تهران آن را به صورت مسکوک رایج درآورده
و در اختیار شما قراردهم و به‌رحال از نشر اسکناس جدید خودداری کرد و
علت آن نیز این بود که بانک بدون پشتوانه نمی‌توانست اسکناس منتشر کند
و یا پشتوانه هم نظر به سهولت جریان آن ممکن بود زندگانی گران شده و
موجبات بدنامی و مزاحمت بانک فراهم گردد متفقین هم پیشنهاد
بانک را قبول کردند آن پیشنهاد این بود که بانک نقره وارد کند و روزی
۳۰ هزار تومان که ضرابخانه ایران می‌توانست ضرب کند توسط لاوشری رئیس
ضرابخانه به صورت سکه پنج ریالی تحویل متفقین برای رفع نیاز آن‌ها
بشود

ولی اکنون با اینکه بانک ملی همیشه اظهار کرده است که پشتوانه
صد درصد است بیان حقیقت نمی‌باشد زیرا هر قدر بیشتر اسکناس منتشر
شود پول تنزل می‌کند و قیمت طلا و نقره بالا می‌رود و در نتیجه مقدار
طلای ثابت پایه پشتوانه بیشتر اسکناس شده و به فرض اینکه پشتوانه همیشه
صد درصد هم باقی بماند باز هم ارزش پول رایج کم شده و به عبارت دیگر
کلیه قیمت‌ها ترقی خواهد کرد .

برای مثال عرض می‌کنم که اگر شخصی قبل از شهریور ماه ۱۳۲۰ خانه
خود را فروخته و وجه آن را به بانک داده باشد و امروز اگر بخواهد با
ودیعه خود در بانک همان خانه را خریداری کند بایسد چهار برابر ودیعه

بانکی خود پول بپردازد، به بیان دیگر پول چهارمرته تنزل کرده است.^۱ پشտوانه پول ما مثل یک قذح دوغی است که هر مقدار از آن برمی دارند به جای آن آب در قذح می ریزند و همیشه هم می گویند دوغ است در صورتی که با تکرار این کار دیگر جز رنگ دوغ چیزی برای آن باقی نمانده و سایر خواص آن را از میان می برد. در اینجا لازم است به عرض آقایان برسانم که در جنگ جهانی دوم که آن رجال رفته بودند و رژیم دیکتاتوری هم اجازه نداده بود مردمانی که بالقوه می توانستند رجال شوند عرض اندام کنند به متفقین اجازه دادند که هر چه خواستند به ما تحمیل کنند و کار و فلاکت و بدبختی را به جایی رسانند که اکنون دچار آن شده ایم.

در دوران جنگ دوم جهانی بر خلاف سیاستی که بانک شاهنشاهی در جنگ اول به کار برد در اثر قراردادهایی که بسته شد و تحمیلاتی که متفقین پس از اشغال خاک ایران به ما کردند و بوسیله یکی از مزدوران خویش^۲ قیمت لیره را از ۶۷ ریال پیش از جنگ به ۱۲۸ ریال ترقی دادند^۳ و براساس آن با پشտوانه آن روز پول ایران ۱۰۰۰ تا آنجا که لازم داشتند بانک ملی اسکناس چاپ کرد و در اختیار متفقین قرار داد و بدبختی مردم را فراهم کرد.

نتیجه این عمل با توجه به عدم افزایش تولید کشور سبب شد که قیمت ها تا چند برابر پیش از جنگ بالا رفته و طبقه مزدبگیر و به خصوص کارمند و مستخدم دولت گرفتار بدبختی های عظیم شده حتی نتوانند شکم خانواده خود را سیر کنند در صورتی که متفقین با پول رایگانی که تحصیل می کردند بهترین مواد غذایی این کشور را برای رفع نیازمندی های قشون

۱ - این مربوط بسال ۱۳۲۹ می باشد در آتیه می رسیم به جایی که این تنزل پول خیلی وحشتناکتر می گردد.

۲ - منظور آقای ابوالحسن ابتهاج می باشد که مدیرعامل بانک ملی بود

۳ - یعنی به نسبت معکوس ریال ایران تنزل کرده است.

اشغالگر خود خریداری کرده و پولی را که روز به روز از قدرت خرید آن کم می شد تحویل ملت ایران می دادند نتیجه آنکه ضریب زندگی که در ۱۳۱۵ یکصد و در ۱۳۱۹ به ۲۵۰ بالغ شده بود در اواخر اشغال متفقین و در سال های پس از خاتمه جنگ تا میزان ۱۰۰۰ بالا رفته و نسبت به سال ۱۳۱۹ در حدود ۴ برابر شد .

اگر سرعت ماشین چاپ اسکناس نبود و متفقین مثل دوره جنگ اول جهانی مجبور بودند که قسمت مهمی از نیازمندی های پولی خود را با فروش دلار و لیره تأمین کنند برای ملت ایران همان نتیجه اقتصادی مساعدی که در جنگ اول جهانی نظر به مقاومت بانک شاهنشاهی در قبول انتشار اسکناس به وجود آمده بود حاصل می گردید و لیره کاغذی به جای اینکه تا ۲۰۰ ریال در بازار آزاد به فروش رود از قیمت قبل از جنگ نیز پائین تر آمده و مردم بدبخت این کشور دچار آن همه مصیبت و بدبختی نشده بودند و بخصوص زندگانی بعد از جنگ ملت ایران تا به این درجه فقر و بیچارگی تنزل و انحطاط حاصل نکرده بود

وضع حالیه نیز مسلماً " علت انتقال ریال به خارج کشور توسط مسافرین و زائرین و نگاهداری و حبس پول توسط صاحبان سرمایه بزرگ و هم چنین شرکت های نیرومند مثل شرکت نفت ایران و انگلیس می باشد حال اگر فرض کنیم که منافع شرکت نفت اقتضا کرده باشد که مقدار مهمی از پول کشور را از جریان خارج کند محاسبه نشان می دهد که با فروش یکصد ملیون لیتر مواد نفتی در هر ماه به قیمت متوسط هر لیتر فقط یک ریال که به جیب شرکت می رود (قیمت فروش مواد نفتی با توجه به مالیات دریافتی و قیمت حمل و نقل بر حسب نوع و محل فروش آن هر لیتر بین یک ریال و چهار ریال تغییر می کند) شرکت نفت می تواند در هر ماه در حدود یکصد ملیون ریال پول ما را از جریان خارج کند و بنابراین در فاصله کمی شرکت نفت خواهد توانست این مزیقه فعلی را که خارج شدن یک میلیارد و چهارصد ملیون ریال

از جریان است به وجود آورد و در هر زمان که منافعش اقتضا کند به تدریج این مبالغ را به جریان انداخته و موجب تشویق عملیات خرید و فروش و در نتیجه افزایش قیمت‌ها را فراهم آورد و به علاوه با این مانور نتیجه کار و ثروت همه مردم را در نزد عده معدودی که با آن شرکت سر و سری دارند جمع کند.

(تاریخچه‌ای از نفت)

برای آگاهی نسل جوان از تاریخچه نفت ناچاریم به عقب برگردیم تا به بینیم تاریخ از چه راهی ما رابه قراردادهای داری و قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی رسانیده است.

هارتلی ویتزر در مقدمه‌ای در کتاب جنگ نفت تألیف انتوان موهر^۱ چنین می‌نویسد: «نفت و روغن از احجار برای احتیاج من روان شد) این عبارت از گفتار ایوب از پیغمبران یهود است که در روزهای سخت که گرفتار مصائب و محن بوده اظهار می‌کند و به‌ایام گذشته خود متوجه شده ندیده‌کنان علاوه می‌کند (آه چه روزهای خوش و خرم بود آن ایام حینی که قدم‌های خود را با کره می‌شستم و صخره نهرهای روغن را برای من می‌ریخت).^۲ از زمانی که بشر شروع به نوشتن تاریخ خود کرده است در میان یادداشت‌های خود نامی از نفت برده و با آن آشنائی داشته‌است. مورخان گذشته مانند هرودوت (پدر تاریخ) استرابو و پلینی^۳ و پلوتارک، هر یک شرحی راجع به نفت نگاشته‌اند.

۱ - Anton Mohr استاد دانشگاه فرانسه و هارتلی ویتزر کارشناس مالی بریتانیا و مدیر روزنامه اکونومیست لندن.

۲ - تورات کتاب ایوب فصل ۲۹ آیه ۷ - ۶

۳ - Pliny

ایرانیان قدیم برای روشنایی مقام‌های مقدس خود از نفت استفاده کرده چنانکه پلوتارک از نفت اکباتان سخن به میان آورده است .
در تواریخ گذشته چین و ژاپون مکرر از نفت سخن گفته‌اند که آن را برای روشنایی و گرم کردن منازل خود به کار می‌برند و حتی در قرن هفتم میلادی در ژاپون نفت را آب سوزان می‌نامیدند .
در حدود سال‌های ۱۳۳۶ میلادی از چاه‌های نفتی که در شمال ایتالیا بوده برای روشنایی استفاده می‌کردند .

مارکوپولو سیاح معروف ایتالیائی در قرن سیزدهم میلادی از نفت بادکوبه شرحی حکایت می‌کند عده‌زیادی از موزخان و سیاحان گذشته هریک در زمان خود از نفت آسیا و اروپا نام برده‌اند ولی با تمام این احوال تا اواسط قرن نوزدهم از نفت استفاده تجارتنی نشده بود . بشر در این زمان دراز تنها می‌توانسته است که از روغن‌های حیوانی و نباتی استفاده کند .
امروز روغن معدنی را که عبارت از نفت باشد و یکی از مهمترین محصولات به شمار می‌رود مردم با یک جد و جهدی از راه سیاست‌های پیچ‌درپیچ جهانی و با سرمایه‌های هنگفت برای به‌دست آوردن آن می‌کوشد .
نخستین چاه نفت در سال ۱۸۵۹ زده‌شد که در عمق ۶۹ پا به‌نفت رسید .
بنابه عقیده گروهی از نویسندگان معروف یگانه محرک اصلی در دنبال کردن تمام این نمایشات سیاسی و مانورهای دیگر بین دول بزرگ دنیا تنها برای نفت است ، که اگر بتوانند منابع نفت‌خیز بزرگ دنیا را برای ملت خود به دست بیاورند .

در این تردید تیسست که داشتن نفت و دسترسی به منابع آن عاملی مؤثر و فوق‌العاده قوی برای فتح و پیروزی در جنگ‌ها است و همه هم می‌دانند که پس از جنگ‌های گذشته امروز داشتن نفت چه اندازه در ترقی صنایع و حمل و نقل دخالت دارد به ویژه که اخیراً " دوام صنایع و حمل و نقل مربوط به وجود نفت می‌باشد و ترقی آتی آنها نیز منوط به آن است و بس .

مخبر روزنامه تایمز لندن در تاریخ هفتم دسامبر ۱۹۲۶ طی تلگرافی به روزنامه خود خبر می‌دهد که هیئت رسمی که برای مطالعه و تحقیقات در مورد حفاظت منابع نفت آمریکا می‌باشد گزارشی به رئیس جمهور تقدیم کرده و طی آن اظهار داشته‌اند منابع نفت آمریکا روبه اتمام است و طولی نخواهد کشید که نفت آن تمام خواهد شد بنابراین موضوع نفت برای تمام مردم بسیار مهم و در زندگانی امروزی نهایت درجه موثر می‌باشد حتی می‌توان ادعان داشت که اهمیت نفت روز به روز بیشتر خواهد شد.

آقای محمود محمود مورخ نامی و پژوهشگر موشکاف ایران در صفحه ۴۹ از مقدمه جنگ نفت چنین می‌نگارد «یک موضوع برای نگارنده روشن نشده است و آن این است که چگونه داری یک چنین امتیازی را در آن تاریخ به دست آورده چه در آن تاریخ تا اندازه‌ای اهمیت جهانی نفت بر همه کس آشکار بود، چگونه در مقابل بیست هزار دلار یا به قولی یکصد هزار فرانک که نقد گرفته‌اند این امتیاز را به یک نفر داری نامی که هیچ سابقه در هیچ جا از او دیده نمی‌شود واگذار کرده‌اند.

در آن تاریخ دولت انگلستان در دربار ایران نفوذی نداشت چه پیش از این تاریخ امین‌الدوله به پشت گرمی انگلیس‌ها روی کار آمد و انگلیس‌ها همه نوع از او حمایت می‌کردند و وعده داده بودند کمک‌های مالی بکنند ولی گرفتاری انگلیس‌ها در افریقای جنوبی بقدری زیاد شد که امین‌الدوله و سیاست ایران را از یاد آن‌ها برد

در نتیجه در چنین تاریخی که نفوذ و قدرت اتابک اعظم به منتهی درجه بوده‌است یک چنین امتیازی به یک نفر از اتباع انگلستان داده می‌شود. حال چه کسانی در این امر دخالت داشتند از پرده بیرون نیفتاده است.

ویلیام ناکس دارسی کیست؟^۱

درباره خود دارسی هم که این امتیاز را به دست آورده است اطلاعات افسانه مانندی در جریان است که بیشتر موضوع را مبهم و به شکل معما در می آورد و در اینجا به یکی دو فقره^۲ آن اشاره می کنیم.

روزنامه شفق سرح در شماره ۳۲۳۲ مورخه ۱۳۱۱/۹/۱۸ مطابق ۹ دسامبر ۱۹۳۲ راجع به امتیاز دارسی می نویسد، کتاب (جاسوسی انگلیسی) که به زبان فرانسه دومرتبه به طبع رسیده و انگلیس ها حتی الامکان نسخه های آن را خریداری و جمع آوری کرده اند در میان هزاران نکات حیرت آور شرحی راجع به امتیاز کمپانی دارسی می نویسد که نقل و خلاصه آن خالی از تفریح نیست.

در زمان مظفرالدین شاه که هیچ کس در ایران از نفت و فواید آن آگاهی نداشت. دارسی نام از اهالی کانادا^۲ که خود را مهندس معدن معرفی کرده بود فرمانی از شاه دریافت داشت که امتیاز تمام معادن زیر زمینی ایران را تا پنجاه سال به اختیار او می گذاشت تا خود و بازماندگان و دوستانش استخراج کنند.

دارسی این فرمان را با خود برداشت و به سرعت به طرف کانادا می رفت که اداره جاسوسی انگلیس (انتلیجنس)^۳ در صدد برآمد این فرمان گرانها را هر طور هست به دست آورد.

زمانی که دارسی در اسکندریه می خواست سوار کشتی شود یک نفر کشیش عالی مقام بریتانیا در کشتی با او آشنا شد و پس از گفتگوی بسیار اظهار داشت

۱ - K. NOX. DARCY

۲ - دارسی از مردم استرالیا است.

۳ - British intelligence Service

که شما مسیحی هستید و می‌دانید در ایران هنوز مردم بت‌ها و خدایان دیگر را می‌پرستند و اگر شما فرمان‌خودتان را به ما بدهید یک مپسیون مذهبی به ایران خواهیم فرستاد که تمام اهالی آن کشور را مسیحی کنند .

داری در برابر کشیش مزبور زانو به زمین زد و فرمان را تسلیم او کرد اما بعد آشکار شد که فرمان مزبور به وزارت خارجه بریتانیا منتقل شده و چندی نگذشت که شرکت نفت انگلیس تأسیس یافت .

در کتاب دیگری به نام جنگ سری نوشته فرانک هناین که در سال ۱۹۳۴ در نیویورک چاپ شد چنین آمده است : « یکی از کسانی که در ایران برای پیدا کردن معادن گردش می‌کرد ویلیام ناکس داری تبعه بریتانیا و از مردم استرالیا بود .

داری از مطالعه تاریخ کهن ایران آگاه شده بود که ایرانیان باستان در آتشکده‌های خود در مشعل‌های بزرگ‌روغن مخصوص می‌سوزاندند و از آن‌ها شعله‌های سفید و روشن و پرنور به اطراف پراکنده می‌شد و ایرانی‌ها با احترام خاص به آن شعله‌ها می‌نگریستند و آن‌ها را آثار بیزدانی می‌پنداشتند . نظر به خدمات داری شاه ایران روزی او را فرا می‌خواند و اجازه می‌دهد که برای مدت شصت‌سال در سرزمین ایران به تحقیق و اکتشاف نفت بپردازد و جاه‌هایی به هر عمق که می‌خواهد حفر کند و نتیجه محصول زیر زمینی هر چه شد حق او باشد .

این فرمان با خطی شبیه به خط مصریان قدیم که در سال ۱۹۰۱ به دست داری داده شد در همان روزهای نخست میلیون‌ها لیره ارزش داشت خلاصه یک چنین سند با ارزشی به دست ایزد کشیش افتاد و از آنجا به دست کارگزاران جاسوسی انگلیس رسید زیرا این مرد روحانی یکی از عمال زبردست این تشکیلات فوق‌العاده سری بود این شخص کشیش نبود بلکه نامش سدنی ریلی یهودی مشهور بریتانیا و نام واقعی اش روزن بلوم (دوست بسیار نزدیک و صمیمی وینستون چرچیل) بود .

این شخص بالاخره رئیس اداره جاسوسی در روسیه شد و بعد با کاپیتان هل در هنگام دخالت متفقین در روسیه امور جاسوسی را در آن کشور اداره می‌کرد.

همین که این فرمان را سیدنی ریلی از جنگ داری در آورد به رایگان به دست شعبه جاسوسی انگلستان افتاد و شرکت نفت برمه جای خود را به کمپانی نفت انگلیس سپرد و سرمایه آن دو میلیون لیره شد که معلوم نبود این سرمایه از کجا است و مال چه کسانی است و این نکته نیز از اسرار بشمار می‌رود.

اما در کتاب جنگ سرد نفت تألیف پیرفونتن صفحه ۲۱۵ آمده است: «بک مهندس استرالیایی به نام داری که در اثر استخراج طلا ثروتمند شده بود مانند حادثه جویان عصر خود در صدد کشف گنج برآمد زیرا آوازه‌ای به گوش رسیده بود که در ایران نفت وجود دارد و هنوز استخراج نشده است. . . . شاه فرمانی در ماه مه ۱۹۵۱ به نام وی صادر کرد. این فرمان به داری حق می‌داد که بتواند اقدام به کاوش و استخراج تمام معادن و منابع زیر زمینی ایران بکند و در مقابل ۲۵۰/۰۰۰ فرانک بپردازد و ۱۶٪ هم به عنوان عوارض و مالیات از درآمدهای حاصله پرداخت نماید و این حق برای مدت شصت سال دارای اعتبار بود. این سند گرانبها رسمی و کاملاً" با موازین تطبیق می‌کرد.

داری این سند را به رایگان به کشیش دادا یعنی به روزن بلوم - آلیاس سیدنی ریلی^۱ که یکی از بهترین مأموران انتلیجنس سرویس بود و بعداً " رئیس سرویس جاسوسی بریتانیا در روسیه شد و بطور مرموزی در ۱۹۲۶ سر به نیست شد.

به هر حال روایت هر چه باشد نتیجه یکی است یعنی به محض آنکه

کمپانی نفت انگلیس با سرمایه ۶۰ میلیون لیره استرلینگ تأسیس شد (با سهامی که پنهانی منتشر شده بود تا دارندگان آن شناخته نشوند) برمه اوایل با این شرکت یکی شد و این تأییدی است براین که از مدت‌ها پیش انگلیس‌ها در صدد بوده‌اند که خود را به ایران تحمیل کنند.

سرمایه و سهام شرکت از ۶۰ میلیون لیره در سال ۱۹۰۹ به ۴۷۹۹/۰۰۰ لیره در سال ۱۹۱۴ و سپس به ۱۳/۵۲۴/۰۰۰ میلیون لیره در سال ۱۹۲۵ رسید. کمپانی نفت انگلیس هر لحظه بر تأسیسات خود می‌افزود، مخازن نفت و تصفیه‌خانه‌ها تأسیس شد. مأموران کاوش انگلیسی دایره عملیات خود را گسترش دادند و بسوی شمال رهسپار شدند و همه‌جا مشغول حفاری گردیدند و منابع جدیدی یافتند و یکی از نخستین کنسرسیوم‌های نفت جهانی شدند.

در سال ۱۹۲۹ شرکت نفت انگلیس برای سهامداران خود ۶۰۰ میلیون فرانک درآمد تحصیل کرد و بالاخره رازی را که با کمال دقت پنهان کرده بودند از برده‌بیرون افتاد و آشکار شد که بیشتر سهامداران شرکت نفت انگلیس مأموران انتلیجنس سرویس می‌باشند، به بیان دیگر مأموران دریاداری انگلستان و دولت بریتانیا دارای منافع هستند که سیاست نفتی آن به دست «هانری دتردینک» و «لرد بیرستد» و «ساموئل مارکوس» اداره و اجرا می‌شود.

و این ضربه بسیار شدیدی بود به نفتی‌های امریکائی و روسی زیرا در سال ۱۹۳۱ استخراج نفت خام به ۷/۵۰۰/۰۰۰ تن بالغ گردید و کلیه نفتی‌های جهان با چشم اندوه‌بار به ایران نگاه می‌کردند و این کشور با این توصیف یکی از متصرفات یا دومینیون (Dominion) بریتانیا به شمار می‌آمد.

کلمانسو نخست‌وزیر وقت فرانسه گفته بود: «ارزش یک قطره نفت برابر با ارزش یک قطره خون است». وی در نامهای به مستر ویلسون رئیس‌جمهور

پیشین امریکا نوشت: «در این لحظات مهم این جنگ عالمگیر... که از حیث اهمیت در درجه نخست می باشد قشون فرانسه نباید برای یک لحظه هم که باشد گرفتار کمبود نفت شود، قشون فرانسه نیاز به نفت دارد و باید بقدر کافی نفت وجود داشته باشد و نرسیدن نفت حتی برای یک دقیقه ما را ناچار به صلح خواهد کرد که برای موتلفین ما خوش آیند نخواهد بود.

پس از پایان جنگ جهانی اول، لرد گرزون وزیر خارجه بریتانیا در برابر اعضاء شورای نفت در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۸ طی نطق غرائی درباره اهمیت نفت چنین گفت: «این نفت بود که موتلفین را بالاخره در جنگ پیروز کرد... حتی پیش از جنگ هم نفت یکی از صنایع ملی و مهم و جزء دارائی بی مانند بشمار می رفت اما با شروع جنگ آشکار شد که نفت و مشتقات آن یکی از عوامل مهم و اساسی است که بتوان با آن جنگ را شروع کرد و با آن به پیروزی رسید.

آقای آنتوان موهر می نویسد: «به هر حال در یک زمان باریک کشورهای امپراطوری بریتانیا از یک خطر وحشتناک تجات یافتند و این به واسطه سرزمین گسترده‌ای در گوشه جنوب و جنوب غربی ایران بود.

سیاستمداران بریتانیا همیشه این نظر را اظهار داشته‌اند که برتری در خلیج فارس برای نگاهداری هندوستان لازم می باشد و عقیده دارند که کانال سوئز و دماغه امید برای انگلستان بی ارزش خواهد بود اگر خلیج فارس از دست بریتانیا بیرون برود.

لرد گرزون در کتاب معروف خود درباره ایران در جلد دوم صفحه ۴۶۵ می نویسد: «من واگذاری یک بندر را در خلیج فارس به دولت روسیه توسط هر دولتی که می خواهد صورت بگیرد یک نوع توهین آشکار می پندارم که نسبت به بریتانیای کبیر شده است.

چنین اقدامی را مفایر صلح جهانی و محرک آشکار جنگ خواهم دانست و من فرمان می دهم که آن وزیر بریتانیا که به این واگذاری راضی شده است

تصدیق کند که نسبت به انگلستان خائن است» .

ملاحظه می فرمائید ، خلیج فارس در آن زمان به جز نفت منبع چشم گیر دیگری نداشت و تنها همین نفت ایران بود که تا این اندازه اهمیت خلیج را در نظر آقای گرزن بالا برده بود تا جایی که ریشه صلح عمومی را تنها در منافع امپریالیستی دولت خودش در خلیج فارس می داند یعنی اگر منافع بریتانیا در خلیج فارس به خطر بیفتد صلح عمومی در جهان به خطر افتاده است!!

منابع نفت ایران از حیث مرغوبی نیز بر نفت های معادن دنیا برتری دارد و مخصوصاً " از حیث جنس یک مایه بسیار عالی می باشد که مانند آن در دیگر معادن نفت کمتر پیدا می شود . مهمتر از این ها وضعیت محلی این منابع است که خوشبختانه در جاهای بسیار مناسب واقع شده است که حمل آن به آسانی انجام می شود .

نکته دیگر این است که مزد محلی بسیار اندک است و این ، در ارزان تر تمام شدن نفت برای بازارهای جهانی کافی خواهد بود از اینرو " سر . کارجیل " ^۱ رئیس کمپانی نفت برمه حق داشت بگوید که این یک منبع بسیار پربهایی برای ملت انگلستان می باشد . تنها در اینجا لازم بود این عبارت را هم بیفزاید که این اراضی گرانبها که اکنون شروع به کار در آنجا کرده ایم برای نفع ملت بینوای ایران که این مناسبع از آن ، آن ها می باشد نیست بلکه برای حفظ منافع امپریالیستی بریتانیا است .

در آن زمان چرچیل چنین می پنداشت که باید برای دولت بریتانیا یک منبع سرشار نفت به دست بیاورد که مخصوص خود انگلستان باشد و از آن منبع تمام نیازهای دریاداری بریتانیا از هر جهت فراهم شود ، چرچیل در این باره چنین گفته بود .

SIR. J. T. Cargil - ۱

«ساختن انبارهای بسیار بزرگ بگونه‌ای که وزارت دریاداری انگلیس پیشنهاد می‌کند که برای ذخیره چهارسال جنگ و انبارکردن پنج میلیون تن نفت کفایت کند به مراتب بیشتر هزینه در برخواهد داشت تا پرداخت دو میلیون لیره به کمپانی نفت انگلیس... اما نظر به اینکه نفود دولت باید از حیث مالی در کمپانی بردیگران برتری داشته باشد این است که از چهار میلیون سرمایه کمپانی دو میلیون و دویست هزار لیره را به موجب قرارداد معین دولت می‌دهد و همین برتری مالی به دولت حق می‌دهد که هر تصمیمی که مخالف میلش باشد آن را رد کند...»

یاری این قرارداد به تصویب پارلمان انگلیس رسید و پس از آن بنا به قرارداد دیگری شرکت نفت انگلیس پذیرفت که مقدار معینی نفت و روغن برای مدت سی سال به دریاداری بریتانیا بفروشد و تاکنون هم هیچ کس به جزئیات این قرارداد آگاهی ندارد چون که مندرجات آن تا به امروز آشکار نشده است زیرا این یک معامله بازرگانی بسیار سودمندی برای دولت بریتانیا بود.

چرچیل در کتاب خود موسوم به بحران‌های عالم^۱ منافع این قرارداد را تا سال ۱۹۲۳ آورده است که شگفت‌انگیز است.

بدنیست که در اینجا به این گفته «ژنرال سرپرسی سایکس» نیز توجه شود: «در ایام جنگ شرکت نفت خدمات شایانی به دولت انگلیس کرد و سوخت مایع جهت کشتی‌های جنگی که در دریای مشرق و مدیترانه خدمت می‌کردند تهیه نموده... اگر این سوخت‌ها نبود غیر ممکن بود که انگلیس‌ها در لشکرکشی خود به پیروزی و موفقیت برسند...»^۲

اینک اشاره‌ای هم به قرارداد داری می‌کنیم اما پیش از آن باید دو

The Worlds Crisis — ۱

۲ — تاریخ ایران صفحه ۸۱۴

نکته را به نظر خوانندگان برسانیم .

۱ - دنیا در سال ۱۹۳۱ یعنی حدود سال ۱۳۱۲ شمسی ، ایران را یکی از مستعمرات انگلیس می دانست و دلیل آن هم همان قرارداد داری و سپس قرارداد ننگین ۱۹۳۳ و قراردادهای دیگر بود .

۲ - برای پژوهش تاریخی نفت ، یک سری کتاب هائی را می توان نام برد که بیشترینشان را بیگانگان نوشته اند مانند جنگ نفت ، جنگ سرد نفت ، جنگ سری ، کتاب جاسوسی انگلیس (که به زبان فرانسه نوشته شده بود اما از طرف انگلیس ها با شتاب خریداری و جمع آوری گردید و به جز چندتائی باقی نماند) . کتاب نفت برای جنگ و نفت برای صلح ، نفت و دولت در خاورمیانه ، جنگ مخفی برای نفت ، بحران عالم

پس از ملی شدن نفت نیز در ایران کتاب هائی در این باره نوشته شد که بیشتر آن ها مورد پژوهش در این یادداشت ها قرار گرفته است مانند طلای سیاه یا بلای ایران ، نیرنگ بازان نفت ، غوغای نفت ، انقلاب نفت ، پنجاه سال نفت ، ملی شدن نفت ، نفت و مجلس پانزدهم ، کتاب سیاه ، استیضاح معروف ، جزوات ششم ، هفتم ، هشتم ، نهم حزب ایران (در مورد قرارداد گس و گلشائیان) ، نظریات پرفسور ژیدل فرانسوی ، جزوات اداره رادیو در زمان صدارت دکتر مصدق و از همه مهمتر اسناد نفت می باشد .

(نکته شگفت آور)

از زمان داری تاکنون بیش از هشتاد سال نمی گذرد . شکی نیست که این مرد وجود داشته است و باز هم شکی نیست که از پادشاه قاجار امتیاز بدان مهمی را گرفته است . پس چگونه ما که صاحب نفت هستیم طرف دیگر را نمی شناسیم ؟ . این حقیقت دردناکی است . در زمانی که افکار عمومی در دنیا تا این اندازه به یکدیگر نزدیک بوده است و مردم از رویدادهای جهانی آگاهی داشته اند و دست کم چند نفری زبان خارجی می دانسته اند و

گروه اندکی از صدراعظم‌ها به اروپا رفته بودند چطور کسی نبوده است یا پیدا نشده است که یادداشت‌هایی در این زمینه از خود به جای بگذارد! سگفت‌آور است .

به بیان دیگر ما که برای پژوهش تاریخ هشتادسال پیش خود ناچاریم دست نیاز به دامان بیگانگان دراز کنیم چگونه می‌توان پذیرفت که تاریخی مستند و دراز را در پشت سر داریم؟! .

(امتیاز داری چیست؟)

در حقیقت این نخستین سند فروش کشور ایران بود اما پس از آن قراردادهایی به مراتب بدتر از این با بیگانگان بسته شد . باری ، شرکت نفت انگلیس «بریتیش پترولیوم» (B.P) به وجود آمد و چون توده مردم برای لغو قرارداد ۱۹۱۹ (قرارداد تحت‌الحمایگی ایران) که به دست وثوق‌الدوله در دست اجراء بود قیام کردند دولت بریتانیا ، هم برای تغییر امتیاز داری به سود خود و هم برای اجرای قرارداد ۱۹۱۹ به شیوه دیگر ، دگرگونی‌های کلی در سیاست خود در ایران پدید آورد و با دخالت تند و آشکاری که جداگانه باید مورد پژوهش قرارگیرد موجبات تغییر حکومت و سلطنت را در ایران فراهم کرد و رضا شاه را به روی کار آورد که پس از تحکیم قدرت خود دست به کار تغییر امتیاز داری شد .

آقای «پیرفونتن» در این باره نوشت «یک مبارزه مخفی و وحشیانه‌ای بین انگلیس‌ها و شوروی‌ها در گرفت که ایرانی‌ها می‌بایستی تحمل زیان آن را بنمایند . تنها به این سبب که در زیرخاک‌های ایران منابع سرشار نفت نهفته است

شوروی‌ها نیز یک تشکیلات پنهانی ترتیب داده بودند و در برابر دستگاه جاسوسی انگلیس از قول زیچکا نویسنده اطریشی و مؤلف کتاب جنگ مخفی برای نفت که شهرت جهانی دارد می‌گویند که شعبه

جاسوسی نفت شرق را روس‌ها به یک جوانی که چندین زبان می‌دانست و به ویژه به چند زبان محلی و شرقی سخن می‌گفت سپرده بودند این شخص «این‌هرن» **Einhorn** نام داشت.

شوروی‌ها می‌دیدند که انگلیس‌ها بنا به فرمان سال ۱۹۰۱ شاه ایران که اهمیت نفت و آینده‌اش را نمی‌دانست سرگرم بهره‌برداری از نفت می‌باشند درصدد برآمدند که با فرمسانی از شاه دیگر شرکت نفت انگلیس را در جای خود بکوبند. تنها یک شاه دیگر می‌توانست فرمان شاه پیشین را بی‌اثر و بی‌ارزش کند و این شخص به نظر آن‌ها رضاخان رئیس دیویزیون قزاق بود.

کارگذاران شوروی که از زمینه‌افکار مساعدی در ایران استفاده می‌کردند ناگهان به‌توسط سفیر خود «روتشتین» از همه حقوق روسیه تزاری در ایران چشم پوشیدند و حتی انقلابی معروف و مبارز آن‌زمان یعنی میرزا کوچک‌خان جنگلی را تنها گذاردند و بر خلاف انگلیس‌ها که به شیوه خود خواهانه‌ای فرمان می‌راندند و تهدید می‌کردند در تبلیغات ماهرانه خود از حقوق ملت‌ها و به اختیار گرفتن ثروت‌های ملی و استفاده از این ثروت‌ها برای بهبود حال توده مردم سخن می‌گفتند. اما با همه این‌ها شکست خوردند و آنگاه که به خود آمدند دیدند به شخصی یاری می‌کنند که حافظ منافع بریتانیا است و درحقیقت نقشه انگلیس به دست روسیه در ایران پیاده شد و سیاست انگلیس در ایران با پیش آمد موافق طبع شوروی‌ها قالب‌گیری شد.

آقای محمود محمود در مقدمه کتاب جنگ نفت می‌نویسد: «کسی از پشت پرده بگونه درستی خیر ندارد که چگونه دولت ایران بدون مقدمه در اواسط سال ۱۳۱۱ شمسی برابر با اواخر سال ۱۹۳۲ میلادی امتیاز نفت جنوب را لغو کرد.

در آن روزها شور بی‌مانندی در مردم ایران پیدا شد و روزنامه‌ها آن را...

با یک آب و نابی جلوه دادند. مجالس شادی و سرور برپا شد که امتیاز نفت از بین رفته است.

اما نیکاندیشان به سبب قول و قرارهایی که سال‌های پیش برای رسیدن به مقامات عالی به عالی‌مقام‌های دولت بریتانیا داده شده بود اندیشناک بودند و نمی‌توانستند به سادگی شکیبایی پیشه خود سازند. . . . ناگهان پس از یک جار و جنجال زودگذر در تهران و شهرستان‌ها موضوع به شورای جامعه ملل رفت و آقایان علاء، داور، انتظام به نمایندگی دولت ایران برگزیده شدند و در آنجا این موضوع در بهمن ماه ۱۳۱۱ برابر اول سال ۱۹۳۳ طرح شد. نمایندگان ایران در یادداشتی دعاوی دولت ایران را با علی که منجر به لغو امتیاز نامه داری شده بود به شورای جامعه ملل تقدیم کردند.

اکنون که مدت‌ها است از آن زمان می‌گذرد بهتر می‌توان با باطن امر پی برد کابینه‌ای که قرارداد داری را لغو کرد یک کابینه هواخواه انگلیس بود، تیمورتاش وزیر دربار پهلوی یا سردار معظم خراسانی پسر حسن کله‌کن خود و خانواده‌اش دارای احساس و عواطف ملی و وطنی نبودند.

دستی، حسین علاء همیشه تابع قدرت‌های روز بودند و هیچگاه خدمتی به ملت نکردند. تقی‌زاده عاقد قرارداد شوم ۱۹۳۳ اشتباهها " جزء آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان آمده بود و خوشبختانه زود ماسک از چهره‌اش افتاد. داور دارای حسن نیت بود اما به غلط سی‌پنداشت که خواهد توانست در زیر سایه قدرت خودکامگی خود را به مقامی رسانده تا آنگاه به مردم خدمتی کند.

پس از حملات شدیدی که در دوره پانزدهم به تقی‌زاده شد و هنگامی که ماسک وی را چه در مجلس و چه در مطبوعات از هم دریدند آنگاه لب به سخن گشود و گفت: «ما همه آلت فعل رضاشاه بودیم» یعنی الغاء امتیاز نفت به فرمان رضاشاه و بدون مشورت یا دیگران بوده است و همچنین گفت که «هیچ کس حتی رضاشاه مایل به تمدید نبود ولی حضرات فشار آوردند»

ناچار شدیم ..

به هر حال به جز دفاع کوتاهی که مرحوم داور در جامعه ملل سابق کرد کار دیگری انجام نگرفت زیرا یک باره همان مدعیان مبارزه با شرکت نفت و امپریالیسم انگلیس دهان تمام مردم را بستند و از فردای تنظیم قرارداد ۱۹۳۳ هیچ کس را جرأت بیان مطلب در مورد نفت نماند.

در مقدمه قرارداد ۱۹۳۳ نیز چنین آمده است: «به قصد برقرار کردن امتیاز جدیدی به جای امتیازی که در تاریخ ۱۹۵۱ به ویلیام ناکس داریسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کمیانی نفت انگلیس و ایران محدود آن را قبول می نماید. روابط طرفین مذکور در فوق در آتی به برطبق این قرارداد خواهد بود.

قرارداد ۱۹۳۳ در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ در تهران در ۲۷ ماده (با تبصره‌ها و ملحقات) منعقد شد و در پایان آن چنین آمده است: «این امتیاز که مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه هفتم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - دادگر».

این قرارداد به مراتب بدتر از امتیاز داریسی بود و مدت ۱۷ سال با اعمال قدرت آن را اجراء کردند و هیچ کس را یارای مخالفت نبود. پس از جنگ جهانی دوم و پاشیده شدن قدرت خودکامگی رضاشاه، کم کم انتقاد و اعتراض نسبت به این امتیاز روی به فزونی نهاد. در مهرماه ۱۳۲۶ به وشش دکتر مصدق طرحی از مجلس گذشت که در آن برای نخستین بار رسماً آشکارا گفته شده بود که حق ملت ایران در مورد نفت در این قرارداد پایمال شده است و نیز دولت را مکلف کرده بود که برای استیفای حقوق از دست رفته

ملت ایران بکوشد!

به دنبال تصویب آن طرح، دولت مدت دو سال پنهانی با نمایندگان شرکت نفت انگلیس مشغول گفتگو شد و نتیجه آن لایحه الحاقی بود که در سال ۱۳۲۸ به مجلس شورای ملی داده شد. این لایحه نیز به سود بیگانگان بود و خوشبختانه به تصویب نرسید و ما در اینجا نیز به کوتاهی از آن می گذریم.^۳

۲- این طرح مبتنی بر قطعنامه زیر بود - (قطعنامه حزب ایران)

۱- حزب ایران معتقد است که در شرایط حاضر هیچگونه امتیازی به هیچ یک از دول یا شرکت های بیگانه برای منطقه معینی داده نشود و بطور کلی استخراج نفت ایران در نقاط استخراج نشده (حتی در نقاط استخراج شده که بر خلاف میل ملت ایران امتیاز آن واگذار گردیده) در اولین فرصت بایستی بوسیله شرکتی انجام شود که لااقل ۵۱ درصد از سهام آن متعلق به دولت ایران و ۴۹ درصد بقیه بین دول بزرگ استخراج کننده نفت دنیا حتی الامکان بطور تساوی تقسیم شود. ۲-۰۰۰۰۰۰

کمیته مرکزی حزب ایران - روزنامه شفق ۱۳۲۳/۹/۶

۲- متن امتیاز داری و قراردادهای ۱۹۳۳، الحاقی، کنسرسیوم در این سلسله یادداشت ها مورد پژوهش دقیق قرار گرفته است و برای دوری از گفتار زیاد از آوردن موارد گوناگون آن خودداری می شود اما ناگزیر از یک مقایسه کلی و کوتاه در این سه قرارداد تنظیم شده می باشیم.

الف - در امتیاز داری سرمایه تاسیسات را آن ها پرداختند و در سودهای به دست آمده چه در ایران و چه بیرون از ایران ما سهم بودیم.

ب - در قرارداد ۱۹۳۳ نیز سرمایه تاسیسات با آن ها بود و ما تنها از سودهای به دست آمده در ایران سهم می بردیم.

ج - اما در قرارداد کنسرسیوم سرمایه تاسیسات را ما پرداختیم و تنها در سودهای داخل ایران سهم شدیم.

(قرارداد الحاقی گس - گلشائیان)

دوره پانزدهم قانون گذاری . به تاریخ ۱۳۲۸/۴/۲۶ شماره ۲۵۵۴۳ مجلس شورای ملی - در اجرای قانون ۱۳۲۶/۷/۳۰ و در نتیجه مذاکرات مفصلی که در ظرف هشت ماه اخیر بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران به عمل آمده موافقت‌هایی نسبت به تغییرات بعضی از امتیازنامه بین دولت شاهنشاهی و شرکت مزبور حاصل گردیده و اینک متن موافقت‌نامه که به صورت قرارداد الحاقی ضمیمه قرارداد اصلی خواهد بود ، به ضمیمه ماده واحده^۶ زیر به قید یک فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی می‌گردد .

ماده^۶ واحده - مجلس شورای ملی ، قرارداد الحاقی را که مشتمل بر یازده ماده است و جزء قانون اعطاء امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس محدود می‌باشد تصویب و به دولت اجازه^۶ مبادله آن را می‌دهد .

نخست وزیر محمدساعتد - وزیر دارائی گلشائیان

تهران مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹ برابر با تیرماه ۱۳۲۸

«نظر به قرارداد منعقد در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران از یک طرف و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از طرف دیگر که به موجب آن امتیازی برای تنظیم روابط بین طرفین مذکور در فوق برقرار گردیده است و نظر به اینکه متعاقب مذاکرات کامل دوستانه دولت و کمپانی موافقت نموده‌اند که به ملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ در اوضاع اقتصادی حادث شده مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی به دولت تعلق می‌گیرد بایستی به میزان و به ترتیب آتی الذکر افزایش یابد و نظر به اینکه طرفین برای تأمین این منظور موافقت نموده‌اند که قرارداد الحاقی منعقد نمایند . علیهذا بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود به شرح زیر موافقت می‌شود .»

این قرار داد شامل یازده ماده بود که به تصویب نرسید و بالاخره هم دولت رزم آراء آن را پس گرفت .

مجلس شانزدهم کمیسیون خاصی مرکب از ۱۸ نفر در مورد نفت انتخاب کرد و قرار شد که این ۱۸ نفر بررسی کاملی در قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی کرده نظر خود را به مجلس شورای ملی گزارش دهند . در این کمیسیون ۵ نفر از اعضاء جبهه ملی (آقایان دکتر محمد مصدق ، دکتر شایگان ، الهیار صالح حائریزاده ، حسین مکی) عضویت داشتند .

این کمیسیون به ریاست آقای دکتر مصدق تشکیل شد . نخست دولت رزم آراء شروع به کارشکنی کرد و حتی در مورد ارسال پرونده های نفت و فرستادن نماینده خود یا وزیر دارائی طفره رفت ولی در اثر اتمام حجت اعضاء کمیسیون به خصوص آقایان عضو جبهه ملی پرونده های موجود را بطور غیر رسمی و آقای دکتر پیرنیا را نیز بطور غیر رسمی به کمیسیون فرستاد .^۱

۱ - پیش از طرح قرارداد الحاقی در مجلس پانزدهم افرادی که به کار پژوهش نفت سرگرم بودند برای کسب پاره ای اطلاعات به اداره امتیازات و درآمد معادن که در آن هنگام زیر نظر آقای پیرنیا مدیر کل وقت و معاون بعدی وزارت دارائی بود مراجعه می کنند اما ایشان دادن اطلاعات را منوط به اجازه گلشایان وزیر دارائی می کند و پس از مدتی که دوباره مراجعه می شود نه اطلاعاتی در اختیار آنان می گذارند و نه نامه هایشان را پاسخ می دهند . سپس حزب ایران نامه ای با تاریخ و شماره به شرکت نفت انگلیس نوشته و اطلاعاتی از آن ها می خواهد و شرکت نفت در پاسخ این نامه مقداری نشریه برای حزب ایران فرستاده و می نویسد که کلیه اطلاعات مربوط به پرسنل و کارگران شرکت به وزارت دارائی فرستاده شده و برای دریافت آن اوراق به اداره مزبور مراجعه کنید .

بقیه پاورقی در صفحه بعد

پس از تبادل نظرهای نخستین و بحث‌انگیز بالاخره موضوع نفت از نخستین‌روز تصویب قرارداد داری تا قرارداد الحاقی مورد بررسی و امان نظر قرار گرفت و در اثر ایستادگی و پافشاری اعضاء جبهه ملی با توجه به قدرت افکار عمومی کمیسیون خاص نفت درخاتمه دور نخست خود اعلام کرد که قرارداد الحاقی منافع ایران را در مورد نفت تأمین نمی‌کند.

در جلسه ۱۳/۱۲/۱۳۲۹ مجلس شورای ملی رزم‌آراء گفت که «در امور اجتماعی، مطالبی که با زندگی ملت ارتباط دارد نمی‌توان فقط تابع احساسات و نظریات شخصی و خصوصی آن‌ها شد. موضوع نفت امروز مطلبی بسیار مهم است و بحث‌های زیادی در اطراف آن شده و می‌شود ولی باید دانست این اظهار نظرها چون صرفاً "روی احساسات و نظریات فردی اشخاص است نمی‌تواند ارزش مهمی را دارا باشد مگر آن‌که هیئت‌های متخصص و متبحر در اطراف این موضوع رسیدگی و حقایق را روشن سازند».

باید بگوئیم که نخست آقای دکتر مصدق در مورد نفت پرسش‌هایی از دولت رزم‌آراء کرده بود که مدت چهار روز دولت تا پاسخ به آن‌ها سر باز زد و آنگاه که دو سه‌روزی از بیانات مستر دیویس در مجلس عوام انگلستان گذشت

بقیه پاورقی از صفحه قبل

حزب ایران رونوشت نامه شرکت نفت انگلیس را برای وزارت دارایی به پیوست درخواست رسمی می‌فرستد، آنگاه وزارت دارایی لیستی از تعداد کارگران و کارمندان ایرانی و بیگانه شرکت نفت را به حزب ایران می‌دهد. در مورد پژوهش‌های نفتی درباره قرارداد‌های ایران، مصر، عراق، عربستان و اندونزی باید گفت که حتی به‌اقرار کفیل وزارت دارایی وقت غالب این قراردادها در آن وزارت‌خانه وجود نداشته است بطوری که معاون وزارت دارایی از آقای حسین مکی می‌خواهد که رونوشت این قراردادها را به ایشان بدهد.

و پس از ملاقاتی که با «سر فرانسیس شیرد» سفیر انگلیس در تهران کرد و هنگامی که وزیر خارجه بریتانیا گفت که ما از اوضاع ایران نگران هستیم و ترسی نیز از فرستادن کشتی جنگی به آب‌های ایران نداریم برای پاسخ دادن به پرسش آقای دکتر مصدق آماده شد.

رزم‌آراء در پاسخ‌هایش تقریباً " نکات تاریک قرارداد را روشن نکرد چون سیاست خاصی را دنبال می‌کرد. وی در جلسه ۱۳۲۹/۱۲/۱۴ گفت: «از لحاظ فنی موضوعی که روشن شدن آن نهایت لزوم را دارد آن است که جناب دکتر مصدق دقیقاً " معین فرمایند منظور صریح ایشان از ملی‌کردن صنعت نفت چه می‌باشد ».

رزم‌آراء در دفاع از قرارداد الحاقی نفت تا آنجا پیش رفت که گفت: «ایرانی عرضه لوله‌نگ ساختن را ندارد و افزود که ما ایرانی‌ها که هنوز درست نمی‌توانیم کارخانه سیمان شهر ری را اداره کنیم چگونه ممکن است که از عهدهٔ اداره صنعت نفت برآئیم» و با اینگونه سفسطه‌ها می‌خواست وطن پرستان را مأیوس و دلسرد کند و زمینهٔ مساعدی برای تصویب قرارداد نفت فراهم سازد.

غلامحسین فروهر وزیر دارائی کابینه نیز دفاع مشروحی از قرارداد الحاقی کرد و در مجلس نیز برخی از نمایندگان به رهبری جمال امامی شدیداً " از سیاست نفتی دولت پشتیبانی کردند.

در پاسخ رزم‌آراء باقر کاظمی در مجلس سنا گفت: «ایرانی که صنایعش از ادوار سالفه باعث اعجاب و تحسین دنیا بوده از قبیل قالی بافی، نقره‌کاری، خاتم‌کاری، مینیاتورسازی و غیره واقعا " شرم‌آور است که رئیس دولت چنین ملت هنرمند و با استعدادی را متهم کند که حتی از عهدهٔ لوله‌نگ ساختن بر نمی‌آید و افزود اگر کارخانه سیمان خوب اداره نمی‌شود تقصیر دولت است و دلیل ضعف و بی‌لیاقتی دولت‌ها است نه ملت ایران». در آن زمان نیز بیشتر کارخانه‌ها سود سرشاری به صاحبان خود

می‌دادند و انگهی این همان ایرانی بود که بدون دیناری وام از بیگانه و بدون دادن امتیازی توانست راه آهن سرتاسری ایران را با آن همه پل‌ها، تونل‌ها، گدوکه‌ها به وجود آورد تا آنجا که باعث تحسین و تمجید دنیا نیز قرار گرفت و باید یادآور شد که به قول آقای کاظمی راه آهن بدان عظمت تنها با عوارض بر قند و شکر مصرفی مردم ایران به وجود آمد.

رزم آراء در مورد فنی با استناد به نظر مهندسين و کارشناسان شرحی را در مجلس قرائت کرد که مستند به اظهار نظر سه نفر آقایان مهندس راجی، مهندس نفیسی، مهندس مستوفی بود و متأسفانه این سه تکنوکرات در طول مبارزات ملی ایران اثری از دانش و بینش خود بروز ندادند و وابستگی‌های خاصی نیز داشتند.

الهیار صالح رهبر حزب ایران نیز در پاسخ رزم آراء در مجلس گفت: «این که آقای نخست‌وزیر گفتند در امور اجتماعی که با زندگی ملتی ارتباط دارد نمی‌توان تنها تابع احساسات و نظریات شخصی و خصوصی آن‌ها شد عرض می‌کنم که طرفداران ملی شدن نفت اشخاص نادانی نبوده‌اند. پانصد نفر از اساتید دانشگاه که نخستین مرکز علم و فضیلت این کشور است ملی شدن نفت را امضاء کرده‌اند.»

آقای کشاورز صدر نیز افزود: «چرا نمی‌ایستید که بزیند توی دهان نگلیس‌ها. فقط ملی شدن نفت به این غائله خاتمه خواهد داد.»

آنگونه که از گفتگوهای گوناگون آن زمان آشکار می‌شود گروهی از جمله رزم آراء و وزیرانش به مفهوم ملی شدن نفت آگاهی نداشتند و در این باره ریش‌هائی می‌کردند حتی می‌توان گفت دستجاتی نیز بودند که خود را ارای دکترین سیاسی می‌پنداشتند اما درباره مفهوم ملی شدن نفت در مانده دند.

مثلاً "اگر آقای نخست‌وزیر در این باره آگاهی داشت چنین نمی‌گفت" آقای دکتر مصدق دقیقاً "معین فرمایند منظور صریح ایشان از ملی کردن

صنعت نفت چه می باشد . .

بسال آخره فروهر وزیر دارائی در جلسه کمیسیون خاص نفت مورخ ۱۳۲۹/۸/۱۰ گفت «مطابق قانون سی مهرماه ۱۳۲۶ که از تصویب مجلس شورای ملی گذشته دولت مکلف بوده برای استیفای حق ملت ایران در مواردی که تصور می شود این حق تضییع شده است اقدامات لازم را بکند
قرارداد الحاقی تقدیم مجلس شده است این قرارداد از طرف دولت مسترد نشده است و همانطور که جناب نخست وزیر در مجلس شورای ملی و مجلس سنا صراحتاً فرمودند که دولت موافق قرارداد است امروز هم بنده به اسم وزیر دارائی به استحضار کمیسیون می رسانم که دولت تمام تلاش و کوشش خود را مطابق قانون مهر ماه ۱۳۲۶ کرده است و به این نتیجه رسیده است و امروز از کمیسیون استدعا می شود که قرارداد الحاقی را آماده و طرح بفرمایند و دولت هم دفاع می کند»

اما با توجه به استدلال بالا و با توجه به گفته جمال امامی لیدر مخالفان جبهه ملی در مجلس که گفت «من مخالف با ملی شدن نفت هستم» (و خطاب به نخست وزیر گفت) «جناب رزم آراء من عرض می کنم که این پوست خریزه ای است که زیر پای شما گذاشته اند زیرا شما اگر این لایحه را پس بگیرید دیگر نمی توانید حکومت کنید مجلس شانزدهم اظهارات فروهر و نیز استرداد قرارداد الحاقی را توسط دولت رزم آراء به اتفاق آراء رد کرد . ولی چرا دولت رزم آراء حاضر به استرداد لایحه الحاقی شد این خود گفتگوی درازی دارد و به کوتاهی چنین است : رزم آراء در اثر مخالفت شدید نمایندگان جبهه ملی و فشار شدیدتر افکار عمومی ، دولت انگلیس و شرکت نفت را مجبور به دادن امتیاز بیشتری کرده بود . گروهی در این اندیشه بودند که دولت انگلیس با توجه به شرائط جهانی و تضاد میان تراست های نفتی و نیز یک پارچگی ملت ایران درست تر دید که چپاول نفتی را اندکی محدودتر کند .

در هر یک از دو حال شرکت نفت حاضر به اندک گذشتی در شیمه کار خود شده بود و می‌رفت تا کم‌کم اصل ۵۰ - ۵۰ را که یک اصل شناخته شده‌ای در خاورمیانه می‌شد بپذیرد و رزم‌آراء با استرداد قرارداد می‌خواست در فرصت مناسب و نیکوئی به عنوان یک تک‌خال سیاسی این اصل را به زمین زند.

اگر چنین می‌شد و رزم‌آراء می‌توانست با تصویب قرارداد نفت در زمانی که شرایط مناسب سیاسی پدید آورده بود شرایط مناسب اقتصادی (نسبی) را نیز به دست‌آورد در آن هنگام رزم‌آراء از یک خطر بالقوه برای شاه ایران تبدیل به یک خطر بالفعل می‌شد و این برای محمدرضا شاه بهیچوجه قابل تحمل نبود.

از این‌روی بود که شنیدیم هنگامی که رزم‌آراء از سوی فدائیان اسلام نورشاد الله‌علم با شتاب پیش شاه آمد و گفت «کشتند و راحت شدیم» . اما چگونه رزم‌آراء توانسته بود که موافقت با اصل (۵۰ - ۵۰) را از شرکت نفت انگلیس بگیرد، خودش گفته بود که مخالفت شدیدجبهه ملی با قرارداد الحاقی و همبستگی و آگاهی توده مردم سبب شده است که شرکت نفت انگلیس گذشت‌هایی بکند اما جریان دیگری که در کنار رویدادهای فتنه‌گذشت مجال تأمل در این باره را به وی نداد.

چرا و چگونه رزم‌آراء کشته شد، از چه روی رزم‌آراء مستوجب مرگ شد و چه دست‌های پنهانی در کار بود و این که آیا کسانی غیرمستقیم از مرافیان و نزدیکان فدائیان اسلام رابطه‌ای با دربار داشته‌اند و نقش عبدالله علم و . . . چیست؟ بماند. ولی باید این واقعیت را گفت که لیل‌طهماسبی مانند حسن امامی قاتل هژیر یک مسلمان و موحد پاکدل و ایمان‌می‌بود هردو اینان فقط به خاطر خدمت به اسلام چنین کاری کردند سپس خود شهید شدند.

(پیام دکتر مصدق)

فشرده، پیام دکتر مصدق درباره نفت چنین است: «ملت ایران بداندید و آگاه باشید. دستگاه دولتی ما قدمی به نفع ملت ایران بر نمی‌دارد و آنچه می‌کند به منظور حمایت منافع اجانب است.»

آقای نخست‌وزیر رزم‌آراء که بیش از یک ماه و نیم در جواب دوسئوال اینجانب معاطله نموده روز شنبه ۱۳۲۹/۱۲/۱۲ به کمیسیون مخصوص نفت آمده و یادداشت‌های بدون امضایی تقدیم کمیسیون کرده است و در ظرف این دو روزه با استفاده از دستگاه رادیو دولتی و بعضی جرائد برای مشوب کردن اذهان مردم کاملاً "سوءاستفاده نموده است و به این اندازه نیز اکتفا نکرده امروز هم به عنوان مصاحبه مطبوعاتی نظریات مخدوش خود را تکرار کرده است.»

بدانید و آگاه باشید که جبهه ملی تصمیم به ملی‌کردن صنعت نفت را با رعایت دوران پیشی و با مطالعات لازم اتخاذ کرده است و بزودی تمام نظریات سفسطه آمیز نخست‌وزیر به عرض ملت ایران خواهد رسید.

دکتر محمد مصدق ۱۳۲۹/۱۲/۱۴

دکتر مصدق آنگاه در جلسه ۱۳۲۹/۱۲/۱۶ مجلس شورای ملی گفت: «اظهارات مستردیویس در مجلس عوام انگلیس بالاخره دخالت مقامات رسمی دولت انگلیس را در کار نفت جنوب که قانوناً "و منطقاً" یک کار تجارتي است به دنیا ثابت کرد. اینک بر خلاف کلیه اظهاراتی که مقامات شرکت نفت تاکنون ابراز می‌داشتند به همه کس روشن شد که شرکت نفت جز دولت انگلستان که با نقاب یک شرکت تجارتي اسباب این همه بدبختی و مرتکب این همه حق‌کشی نسبت به حقوق ملت ایران شده است چیز دیگری نیست.»

توجه و دقت به جواب‌های اینجانب نشان می‌دهد که آقای نخست‌وزیر

به هدایت دیپلماسی انگلستان این جواب‌ها را توسط بعضی از افسراد این کشور که شخصیت خود را بسته به میزهای می‌دانند که پشت آن نشسته‌اند و تحت عنوان ظاهری خدمتگزاری به پایمال کردن حقوق ملت و مخفی نگاهداشتن حقایق مشغول‌اند تهیه کرده و تقدیم داشته‌اند

صرفنظر از عبارات و کلماتی که در اثر علاقه‌مندی اشخاص به جاه و مقام درپاره‌ای از این گزارش‌ها به کار برده شده و خواسته‌اند افکار عمومی ایران را که به قدرت آن بی‌برده‌اند منحرف و مرعوب سازند. گزارش کمیسیون‌های نخست‌وزیر، جواب سئوالات اینجانب نیست چه در آن‌ها سعی شده‌است که با مہارت هرچه تمامتر مغلطه و سفسطه نمایند زیرا در هیچ یک از جواب‌ها به سئوالات چنانکه خواستار آن شده بودم جوابی داده نشده است

جناب نخست‌وزیر چنین وانمود کرده‌اند که اولاً " - کلیه پیشنهادات جبهه ملی در زمینه نفت و به خصوص درخواست ملی شدن آن متکی بر احساسات و نظریات فردی است و هیچگونه مشاوره‌ای با کارشناسان آگاه در این مسائل به عمل نیامده است. ^۱ ثانیاً " - چون فعلاً " صدها هزار نفر زندگانشان بطور مستقیم و

۱ - در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۳۵ در کلوب مرکزی حزب ایران آقای مهندس زیرک‌زاده اظهار داشت که با چه شکالات آقای مهندس حسینی توانست این مدارک بر علیه شرکت نفت را به دست آورد تا اقلیت مجلس پانزدهم و جبهه ملی را از جزئیات فنی و مالی (و قضائی) قرارداد ۱۹۳۳ آگاه نماید آقای مکی نیز ابتداءً از طرف نخست‌وزیر وقت (دکتر مصدق) و جبهه ملی از زحمات حزب ایران به ویژه از آقای مهندس حسینی صمیمانه تشکر کرد و خاطر نشان ساخت که شخصاً " شاهد زحمات خستگی‌ناپذیر ایشان بوده است .

غیر مستقیم از عوائد حاصله از نفت جنوب تأمین می‌شود نمی‌بایست کاری کرد که احتمال ایجاد اشکالاتی در امر بهره‌برداری نفت بشود و در نتیجه سرنوشت عده‌زیادی از مردم را ملعبه قرارداد داد.

البته بر خلاف آنچه که آقای رزم‌آراء به منظور نگران ساختن اذهان عمومی نسبت به خواسته ملت ایران یعنی (ملی‌شدن صنعت نفت در سراسر ایران) اظهار می‌دارد جبهه ملی با عده‌زیادی از کارشناسان فنی و قضائی و اقتصادی که اطلاعات خود را از روی نهایت عشق و اخلاص در اختیار جبهه ملی گذارده‌اند در تماس دائم بوده و با نهایت دقت تمام اطراف و جوانب کار را مطالعه و با اطمینان کامل پیشنهاد خود را که مورد قبول قاطبه ملت ایران واقع شده‌است تقدیم نموده و از نظر سیاسی هم با سابقه ممتدی که اکثریت قریب به اتفاق افراد جبهه ملی در امور سیاسی دارند و صلاحیت آنان در این زمینه به مراتب از افراد دست‌نشانده‌ای که به نام وزارت امور خارجه ولی با اعمال نظر خاص آقای نخست‌وزیر انتخاب شده و اظهارات نفرت‌انگیزی نموده‌اند بیشتر است به این نتیجه قطعی رسیده‌اند که تنها ملی‌کردن صنعت نفت در سراسر ایران است که هیچ‌گونه خطری با اعمال آن متوجه منافع اقتصادی یا سیاسی یا اخلاقی کشور ایران نخواهد گردید.

از لحاظ فنی از طرف آقای رزم‌آراء مطالعه ملی‌شدن صنعت نفت از متصدیان شرکت نفت ایران خواسته شده و از طرف آن‌ها با یکی دو نفر دیگر از مهندسی که در دولت، مثل خودشان پست‌های حساسی را در اختیار داشته و نهایت علاقه را به حفظ پست‌های خود دارند و چنانچه به حکم وجدان عمل می‌کردند امیدی به حفظ موقعیت خود یا طرز عمل دولت آقای رزم‌آراء برایشان باقی نمی‌ماند سه گزارش به نخست‌وزیر داده شده که فقط یکی از آن‌ها را که بیشتر مورد پسند واقع شده بود و بهتر در تدوین آن

اعمال نفوذ کرده بودند به کمیسیون نفت تقدیم داشتند^۱.
در یکی از این سه گزارش، کمیسیون فنی اظهار داشته بود که اولاً " چون نسبت به ملی شدن نفت (توسط کارشناسان دولت) مطالعه کافی نشده است، نظر به اهمیت و تأثیر آن بهتر است قبلاً" با مشاورین حقوقی و اقتصادی و فنی مشاوره و سپس اقدام شود.

ثانیاً " چنانچه هدف دولت منحصرأ" به دست آوردن درآمد زیادتری از معادن نفت جنوب است چنین به نظر می رسد که از راه تجدید نظر در قرارداد نفت منظور بهتر تأمین گردد. ضمناً" توصیه می نماید که در قرارداد جدید هیچگونه موادی نبایستی گنجانده شود که به حقوق دعاوی دولت در گذشته خللی وارد آورد و یا مبنای تفسیر برای روش آتیه شرکت نفت به زیان بران قرار گیرد به علاوه هر قراردادی که بسته شود نبایستی برای مدت بیش از پنج سال باشد و جمع درآمد ایران نبایستی از حداکثر درآمد دیگر شور ها کمتر شود . . . ؟ .

دکتر مصدق در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ طی ابراز یک سلسله نظریاتی گفت: " ملت ایران معتقد است که اگر کوتاه شدن دست شرکت نفت که حیات سیاسی و اقتصادی و همچنین آبروی ملت ایران را به خطر انداخته است به قیمت از بین رفتن عواید حاصله از نفت جنوب هم باشد باز بیلان عمل به نفع ملت رنج دیده ایران است و به همین دلیل مردم خود را برای قبول هر نوع محدودیتی که ضروری باشد حاضر نموده اند به ویژه اینکه تاکنون ملت

۱ - آقای مهندس حسینی در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۴ در کلوب مرکزی زب ایران گفت: " نخستین مرتبه در سه سال پیش کمیته مرکزی حزب ایران بر صدد تهیه اطلاعات و جمع آوری مدارکی راجع به قرارداد نفت که ستور العمل دولت های وقت بود برآمد، در آن هنگام حتی وزارت دارائی بلاع قابل توجهی در کار نفت نداشت است.

ایران از پرداختی‌های شرکت نفت حقیقتاً سودی نبرده است

اکنون حداکثر انتظار ملت ایران از منابع نفت جنوب منحصر به تأمین میزان ارز فعلی حاصله از این منبع یعنی حداکثر سالیانه ۴۰ میلیون لیره می‌باشد. ملت ایران می‌داند که این مبلغ ارز با فروش فقط ۸ میلیون تن به جای ۳۲ میلیون تن نفتی که فعلاً "از کشور ما به بیخما می‌رود قابل تأمین است و ۱۴ میلیون تن نفت دیگر در صورتی که نخواستند از ما بخرند زیرزمین خواهد ماند تا فرزندان لایق آینده کشور از آن به نفع خود و مملکت بهره‌برداری نمایند.

ملت ایران مطمئن است که نه تنها فروش این مقدار نفت با توجه به نیازمندی دنیا برای او مقدور است بلکه می‌تواند در همان سال اول ملی شدن نفت بیش از اینها به دنیا بفروشد.

البته هیچ کس ادعا نکرده است که ملی شدن صنعت نفت (یعنی رهائی ملت ایران از تسلط بیگانگان و استفاده صدها میلیون لیره در سال از آن منبع) بدون هیچگونه زحمتی انجام پذیر می‌باشد و نکته‌ای مهم که از گزارش فنی آقای رزم‌آراء استنباط می‌شود این است که به همین حال این کار را غیر ممکن نمی‌دانند باز خود گزارش کمیسیون آقای نخست‌وزیر بدون اینکه عمل را غیر میسر بشناسد فقدان وسایل باربری ایرانی را یکی از اشکالات مهم شناخته و معتقد است که صدور نفت از ابتدای کار به میزان فعلی چون تعداد زیادی نفت‌کش لازم دارد امری بس دشوار است ولی صدور مقدار کمتری را امری میسر می‌داند.

از لحاظ قضائی اولین سئوالی که از کمیسیون مزبور (کمیسیون نخست‌وزیر) شد این بود که آیا می‌توان قرارداد ۱۹۳۳ را لغو کرد یا خیر؟ این سؤال به دلائل ذیل جز از طرف کسانی که خیال خیانت در سر داشته بودند نمی‌توانست مطرح شده باشد زیرا بر هیچ‌کس پوشیده نیست که ملت ایران نظر به اینکه انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ در زمان حکومت دیکتاتوری

که ایجاد آن به همراهی و کمک انگلستان بوده است به عمل آمده (طبق اعترافات مقامات رسمی دولت انگلیس در سال ۱۹۲۵) و هم چنین اعتراف آقای تقی زاده امضاءکننده آن و عدم صلاحیت نمایندگان مجلس که نمایندگان ملت نبوده و آن را تصویب نموده اند^۱ و هیچگاه رسمیت نداشته و به همین دلیل هم بوده است که جبهه ملی به پیروی از افکار و آمال ملت ایران هیچ وقت تقاضای الفاء قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ را که باطل و ملغی الاثر است نکرده و فقط ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران را خواهان شده است.^۲

۱ - من تعدادی از آن احکام وزارت دادگستری را که در آن وقت دولت صادر کرده بود و نمایندگان به انتصاب دولت در مجلس شورای ملی حاضر شده اند اینجا همراه دارم .

من خواستم احکامی را که نسبت به مرده ها صادر شده است در اینجا بیاورم تا اینکه باعث سرشکستگی زنده هائی که در اینجا هستند و به قرارداد ۱۹۳۳ رأی داده اند نشود .

الف - حکومت جلیله رشت ، حسب الامر ، تلگراف ذیل مطابق دستوری است که تحت شماره ۱۶۴۳ حکومت صادر شده امساک اهالی از اخذ تعرفه و دادن رأی تأثیری ندارد .

ب - مشهد ، کاندیدای انتخابات ارامنه نقاط جنوب میرزا یانس می باشد مقرر فرمائید ترتیب انتخابات انجمن نظار طوری داده شود که متناسب با انتخاب ایشان باشد . تلگراف رمز ۱۳۱۱/۸/۲۶ .

ج - ساری ، حکومت جلیله ، کاندیدای حوزه دماوند میزرا صادق خان منتصرالسلطان است . ۱۳۱۱/۸/۱۲ شماره تلگراف ۱۳۰۶

کتاب متن نطق های آقای دکتر مصدق

۲ - به مناسبت بحث در موضوع ملی شدن نفت باز هم مجبوریم مطالبی بقیه پاورقی در صفحه بعد

با ملی شدن نفت در سراسر ایران که نتیجه اعمال حق حاکمیت ملت

بقیه پاورقی از صفحه قبل

را برای آگاهی نسل جوان بیاوریم . تز ملی شدن صنعت نفت که اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران پشتیبانش بودند مورد تأیید گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های بزرگ نبود .

الف - هیئت حاکمه سیاسی و هیئت حاکمه دینی که مدت پنجاه سال ایران را جولانگاه خود کرده بودند شدیداً " با تز ملی شدن نفت مخالفت می‌ورزیدند و یا خود را بی‌اعتناء نشان می‌دادند . تمام مسئولان امور که پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قدرت رسیدند یا از طرف شاه به‌کار گرفته شده‌اند مخالف ملی شدن نفت بودند .

ب - حزب توده نیز با این کار مخالفت شدید می‌ورزید . مثلاً آقای احسان طبری یکی از لیبران حزب توده در روزنامه " مردم شماره ۱۲ مورخه ۱۳۲۳/۸/۱۹ نوشته بود که " ما برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه این منافع صحبت نمی‌کنیم " و روی این اصل روزنامه بسوی آینده ناشر افکار حزب توده در تاریخ ۱۳۲۹/۷/۲۱ نوشت " هنوز موضوع نفت مهمترین مسئله روز است ما می‌گوئیم خود را در مسیر جنجال قرار ندهیم " همین روزنامه در تاریخ ۱۳۲۹/۱۱/۲۲ نوشت " جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت جنوب هدف خود را اعلام رسمی بطلان امتیاز نفت جنوب می‌داند " و در تاریخ ۱۳۲۹/۹/۹ طرح ملی شدن نفت را در سراسر ایران ورقه خیانت می‌داند .

مجله کبوتر صلح وابسته به حزب توده در تاریخ ۱۳۳۰/۵/۱۶ نوشت " صدق چیزی جز آلت دست امپریالیست نیست . او عروسکی است که آرایش عوام فریبانه‌ای یافته است . او با پشتیبانی ملت ایران مراحل مختلف مبارزه با امپریالیسم را یکی پس از دیگری طی کرد و در مرحله آخری که تنها یک راه راه ملت برای او باقی مانده بود آشکارا خود را به دامان دشمنان انداخت ..